

**A Study and Analysis of the Major Cultural Challenges of the United States and Its Civilizational Approaches**Hamzeh Dindar Boudalalou¹ | Mohammad Jabarpour² | Hassan Mohammadmirzaei³ |Hojjat Hadidi⁴Vol. 5
Spring 2025

DOR: 20.1001.1.28210247.1404.5.1.1.2

Research Paper**Received:**
17 May 2025**Revised:**
05 June 2025**Accepted:**
09 June 2025**Published:**
22 June 2025

P.P: 11-58

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743**Abstract**

Contemporary America is not merely a nation-state but rather the civilizational embodiment of the modern Western world. The Islamic Republic of Iran, which aspires to establish a new global civilization, must first understand the dominant current civilization- namely Western civilization- in order to surpass it. Understanding the essence of a civilization begins with a deep comprehension of its culture. Therefore, this research aims to explore the status and major cultural challenges of the United States as the driving force behind other civilizational domains (political, economic, social, and security). To achieve this objective, the books of 15 leading scholars in this field- with the highest ratings on platforms such as Goodreads and LibraryThing- were analyzed through a descriptive-analytical approach using thematic analysis methodology. Based on the results, under the overarching concept of "the macro- cultural state of the United States," and drawing from 111 extracted codes, 24 basic themes and three major organizing themes were identified: (1) the cultural-civilizational challenges of American society, (2) the nation's intellectual ideas in the field of culture, and (3) the future of American culture. According to the identified macro indicators of American society and culture, it appears that the U.S. is facing serious cultural crises. If unresolved, these challenges are likely to intensify the societal problems facing the country. What has so far prevented the collapse of American culture, however, is the intrinsic inclination toward change that is embedded in the American cultural fabric.

Keywords: Western Civilization, American Culture, Cultural Challenges, Civilizational Approach, Decline

1. M.A. in Regional Studies – North American Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author Assistant Professor, Department of Thought and Cultural Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. fadak4381@gmail.com
3. Ph.D. Candidate in Political Science, Shahed University, and Senior Researcher, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.
4. M.A. in Regional Studies– North American Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Dindar boudalalou, H., Jafarpour, M., Mohammadmirzaei, H., & Hadidi, H. (2025). Study and analysis of the macro-cultural challenges of the United States of America and its civilizational approaches. *American Strategic Studies*, 5(17),11-58.

Publisher: Imam Hussein University **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

صص: ۵۸-۱۱

شابا چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



بررسی و تحلیل چالش‌های کلان فرهنگی ایالات متحده آمریکا و رهیافت‌های تمدنی آن

حمزه دیندار بودالالو^۱ | محمد جبارپور^۲ | حسن محمد میرزائی^۳ | حجت حدیدی^۴

چکیده

آمریکای کنونی نه صرفاً یک کشور بلکه در حقیقت صورت تمدنی جهان غرب در عصر حاضر می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران که داعیه‌دار ایجاد تمدن نوینی در جهان است برای گذار از تمدن رایج فعلی یعنی تمدن غرب می‌بایست در گام نخست آن را به درستی بشناسد و شناخت باطن یک تمدن از طریق آگاهی به فرهنگ آن امکان‌پذیر است. از این‌رو، هدف از این پژوهش، شناخت وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگی آمریکا، به‌عنوان موتور محرک سایر عرصه‌های تمدنی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی) می‌باشد. لذا در راستای این هدف، کتاب‌های ۱۵ نفر از صاحب‌نظران این حوزه که دارای بالاترین نمره در وبسایت‌های goodreads و Librarything می‌باشد مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج بدست آمده ذیل مفهرم فراگیری تحت عنوان وضعیت کلان فرهنگی ایالات متحده و مبتنی بر ۱۱۱ کد استخراج شده، ۲۴ مضمون پایه و ۳ مضمون اصلی و سازمان‌دهنده یعنی: وضعیت چالش‌های فرهنگی-تمدنی جامعه آمریکا، ایده فکری این کشور در حوزه فرهنگ و آینده فرهنگ آن شناسایی شد. باتوجه به شاخص‌های کلان به‌دست آمده از جامعه و فرهنگ آمریکا، به نظر می‌رسد این کشور دچار بحران‌های بزرگی است که در صورت برطرف نشدن این چالش‌ها، معضلات جامعه آمریکا تشدید خواهد شد. عاملی که تاکنون مانع شده تا این بحران‌ها فرهنگ آمریکا را به سوی فروپاشی سوق دهد، علاقه به تغییر است که در ذات فرهنگ ایالات متحده شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تمدن غرب، فرهنگ آمریکا، چالش‌های فرهنگی، رهیافت تمدنی، افول.

۱- کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گرایش آمریکای شمالی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۲- نویسنده مسئول: استادیار، گروه اندیشه و مطالعات فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
fadak4381@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شاهد و پژوهشگر ارشد دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای- گرایش آمریکای شمالی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

استناد: دیندار بودالالو، حمزه؛ جبارپور، محمد؛ محمد میرزائی، حسن و حدیدی، حجت. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل چالش‌های کلان فرهنگی ایالات متحده آمریکا و رهیافت‌های تمدنی آن. مطالعات راهبردی آمریکا، ۵(۱۷)، ۵۸-۱۱. DOR: 20.1001.1.28210247.1404.5.1.1.2

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

جهان معاصر، به‌ویژه در ابعاد فرهنگی، رسانه‌ای و معرفتی، به‌شدت تحت تأثیر گفتمان تمدن غربی به رهبری ایالات متحده قرار دارد. آمریکا به‌عنوان قدرت نرم برتر در جهان، الگوهای فرهنگی، سبک زندگی، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های خاص خود را از طریق ابزارهای مختلف فرهنگی و رسانه‌ای صادر می‌کند.

اما انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) پدیده‌ای منحصر به‌فرد در تاریخ معاصر به‌شمار می‌آید که برخلاف مسیر غالب تحولات تمدنی و تاریخی غربی شکل گرفت. این انقلاب نه‌تنها بازتابی از جریان‌های رایج مدرنیته نبود، بلکه در تقابل با ارزش‌ها، ساختارها و انگاره‌های تمدن غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا قرار گرفت؛ از همین‌رو، برخی تحلیل‌گران آن را واجد ویژگی‌های پست‌مدرن دانسته‌اند، چراکه با برهم‌زدن نظم مسلط معرفتی و تمدنی غرب، الگوی بدیلی از تحول اجتماعی و سیاسی ارائه داد. جان فوران^۱ جامعه‌شناس آمریکایی، در آثار خود از جمله کتاب مقاومت شکننده^۲، انقلاب ایران را به‌عنوان انقلابی منحصر به‌فرد با وجوه ضدمدرن و گفتمان متفاوت با انقلاب‌های کلاسیک (فرانسه، روسیه و چین) بررسی کرده است (فوران، ۱۴۰۰) همچنین بسیاری دیگر از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی مانند حمید دباشی^۳ استاد دانشگاه کلمبیا در کتاب الهیات نارضایتی، با رویکردی متفاوت، «انقلاب اسلامی ایران را نتیجه تحولی در عرصه ایدئولوژیک و بازخوانی سنت‌های دینی می‌داند که در مقابله با عقلانیت مدرن و لیبرال شکل گرفت. به نظر وی، این انقلاب، صرفاً واکنشی سیاسی نبود، بلکه کنشی فرهنگی در برابر سلطه معرفتی غرب محسوب می‌شد» (دباشی ۱۹۹۳؛ احمدیان و نوری، ۱۳۹۰: ۶۸-۴۱).

لذا با توجه به این تقابل تمدنی و گفتمانی میان جمهوری اسلامی ایران برآمده از انقلاب اسلامی در مقابل ایالات متحده آمریکا مبتنی بر اندیشه‌های لیبرالیستی، بحث شناخت دقیق و همه‌جانبه ایالات متحده دارای اهمیت زیادی است و لازمه این شناخت عمیق از تمدن غرب و طلایه‌دار این تمدن یعنی آمریکا، شناخت لایه درونی و اصیل تمدن یعنی فرهنگ غربی و آمریکایی است.

1 John Foran

2 Fragile Resistance

3 Hamid Dabashi

در چهار دهه گذشته، شناخت مبانی فرهنگی و تمدنی غرب و آمریکا در ایران بعضاً با بن مایه‌های تبلیغاتی- رسانه‌ای غربی و یا سوگیری‌های سیاسی همراه بوده و این امر موانعی را در افکار و اذهان نخبگان و مردم برای شناخت دقیق از وضعیت فرهنگی آمریکا ایجاد کرده است. آثار و تبعات ناشی از خلاء شناختی و درک صحیح از وضعیت و چالش‌های فرهنگی جامعه آمریکا میان تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و عامه مردم، بعضاً منجر به اتخاذ برداشت‌های غیرواقعی و رویکردهای غیردقیق و گاه متأثر از رسانه‌ها نسبت به واقعیت‌های موجود در ایالات متحده، شده است. در این راستا، شناخت لایه‌های فکری و عملی از منظر صاحب نظران فرهنگ و تمدن آمریکا می‌تواند تصویر خوبی از وضعیت مؤلفه‌های فرهنگی این کشور را به صورت شفاف بیان کرده و به سنجش درست از وضعیت و چالش‌های فرهنگی جامعه آمریکا بینجامد. لذا مسأله اصلی این پژوهش، شناخت و تحلیل علمی وضعیت کلان فرهنگ آمریکا، به‌عنوان موتور محرک سایر عرصه‌های تمدنی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی) می‌باشد.

۱- پیشینه پژوهش

از بخش‌های مهم هر پژوهشی بررسی ادبیات علمی آن و آثار منتشر شده داخلی و خارجی است، از همین رو در این بخش به معرفی برخی آثار مرتبط با موضوع این مقاله پرداخته می‌شود: جین تونج^۱ (۲۰۲۳) در کتاب خود با عنوان «نسل‌ها: تفاوت‌های واقعی بین نسل Z، هزاره‌ها، نسل X، بومرها و سایلنت‌ها و معنای آن‌ها برای آینده آمریکا»^۲، به تحلیل تفاوت‌های نسلی در آمریکا و تأثیر فناوری بر شکل‌گیری هویت و رفتار نسل‌ها می‌پردازد. تونج استدلال می‌کند که فناوری، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی، نقش مهمی در افزایش فردگرایی، تأخیر در بلوغ اجتماعی و تغییرات فرهنگی در نسل‌های جدید داشته است.

جورج پکر^۳ (۲۰۲۱) در کتاب خود با عنوان «آخرین امید: آمریکا در بحران و نوسازی»^۴، به تحلیل بحران‌های سیاسی و اجتماعی آمریکا پرداخته و چهار روایت اصلی از هویت آمریکایی را

1 Jean Twenge

2 Generations: The Real Differences Between Gen Z, Millennials, Gen X, Boomers, and Silents—and What They Mean for America's Future

3 George Packer

4 Last Best Hope: America in Crisis and Renewal

معرفی می‌کند: آزادی، برابری، عدالت و واقع‌گرایی. او استدلال می‌کند که برای بازسازی وحدت ملی، باید به یک روایت مشترک و فراگیر دست یافت که بتواند شکاف‌های عمیق اجتماعی و سیاسی را پر کند.

جرمی اس. آدامز^۱ (۲۰۲۱) در اثر خود با عنوان «تهی‌شده: هشدار دربارۀ نسل بعدی آمریکا»^۲، به بررسی بحران‌های فرهنگی و اخلاقی نسل جوان آمریکا پرداخته است؛ آدامز معتقد است که نسل جوان دچار فقدان هدف، بی‌تفاوتی فرهنگی و ضعف در ارزش‌های اخلاقی شده است، که این مسائل ناشی از ضعف در نظام آموزشی، خانواده و رسانه‌هاست.

ایزابیل ویلکرسون^۳ (۲۰۲۰) در کتاب خود با عنوان «نظام طبقاتی: ریشه‌های نارضایتی‌های ما»^۴، به بررسی ساختارهای ناپیدای نظام طبقاتی در آمریکا می‌پردازد؛ همچنین ویلکرسون استدلال می‌کند که نژادپرستی در آمریکا تجلی یک نظام طبقاتی عمیق‌تر است. او با مقایسه نظام‌های طبقاتی در هند، آلمان نازی و آمریکا، هشت ستون اصلی نظام‌های طبقاتی را شناسایی می‌کند که شامل ارث‌بری، جداسازی، خلوص و آلودگی و ترور و خشونت می‌شوند. این ساختارها باعث تداوم نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در جامعه آمریکا شده‌اند.

تیموتی پی. کارنی^۵ (۲۰۱۹) در کتاب خود با عنوان «آمریکای بیگانه شده: چرا برخی مکان‌ها شکوفا می‌شوند در حالی که دیگران فرو می‌ریزند»^۶، به بررسی علل موفقیت یا شکست جوامع مختلف در آمریکا می‌پردازد؛ کارنی استدلال می‌کند که جوامعی که دارای نهادهای مدنی قوی مانند کلیساها و سازمان‌های محلی هستند، در برابر بحران‌ها مقاوم‌ترند. در مقابل، جوامعی که این نهادها را از دست داده‌اند، دچار فروپاشی اجتماعی و اقتصادی می‌شوند.

رابرت وونتو^۷ (۲۰۱۸) در اثر خود با عنوان «جا ماندگان: افول و خشم در آمریکا روستایی»^۸، به بررسی دلایل نارضایتی و خشم در جوامع روستایی آمریکا پرداخته، وونتو نشان می‌دهد که ساکنان مناطق روستایی احساس می‌کنند ارزش‌های فرهنگی و سبک زندگی‌شان توسط نخبگان

1 Jeremy S. Adams

2 Hollowed Out: A Warning about America's Next Generation

3 Isabel Wilkerson

4 Caste: The Origins of Our Discontents

5 Timothy P. Carney

6 Alienated America: Why Some Places Thrive While Others Collapse

7 Robert Wuthnow

8 The Left Behind: Decline and Rage in Rural America

شهری نادیده گرفته می‌شود. این احساس بی‌توجهی منجر به بی‌اعتمادی و نارضایتی سیاسی در این جوامع شده است.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد وجه تمایز این مقاله نسبت به آثار گذشته در این است که در پژوهش پیش‌رو تلاش شده است مبتنی بر نظرات برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران مطرح عرصه‌های فرهنگ و تمدن آمریکا، دیدگاه‌های منتشر شده ایشان در ۱۵ کتاب به صورت دقیق و علمی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا یک نگاه گسترده و در عین حال دقیق‌تر از وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگی این کشور در اختیار مخاطب قرار دهد.

۲- روش پژوهش

از آنجایی که هدف از این پژوهش، شناخت وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگی جامعه آمریکا است برای بررسی فرهنگ آمریکا، پنج مؤلفه اصلی شامل روابط اجتماعی، خانواده، مذهب، تفاوت‌های نسلی و هنر و رسانه شناسایی شدند که دربرگیرنده موضوعاتی چون نژادپرستی، رویای آمریکایی و نابرابری اقتصادی هستند. برای دستیابی به این هدف، ابتدا کتاب‌های ۱۵ نفر از صاحب‌نظران این حوزه پس از بررسی معیارهایی چون سال انتشار، اعتبار نویسنده و ناشر و امتیاز که دارای بالاترین نمره در وبسایت‌های *goodreads* و *Librarything* می‌باشد انتخاب شد سپس با استفاده از شیوه گردآوری کتابخانه‌ای فیش‌برداری لازم از متون این کتاب‌ها انجام شده و مبتنی بر روش تحلیل مضمون گزاره‌های کلیدی استخراج شده از این کتاب‌ها کدگذاری و در ادامه مقوله‌بندی شده است تا در نهایت شبکه مضامین این پژوهش استخراج گردد. در ادامه و با توجه به ضرورت معرفی روش استفاده شده در پژوهش، معرفی اجمالی از روش تحلیل مضمون ارائه می‌گردد.

در مطالعات کیفی، تحلیل نظام‌مند داده‌ها ضرورتی اساسی به‌شمار می‌رود. یکی از شیوه‌های مؤثر و نسبتاً ساده برای تحلیل داده‌های کیفی، روش تحلیل مضمون^۱ است. این روش با هدف شناسایی، بررسی و گزارش‌گری الگوهای معنادار در داده‌های کیفی طراحی شده و عمدتاً بر داده‌های متنی تمرکز دارد. تحلیل مضمون با سازماندهی داده‌های پراکنده و متنوع، آن‌ها را به

1 Content analysis

اطلاعاتی دقیق و قابل تفسیر تبدیل می‌کند. افزون بر این، تحلیل مضمون می‌تواند هم به بازنمایی واقعیت‌های تجربی پردازد و هم در تبیین آن‌ها نقش ایفا کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۷؛ زارعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۷). مضمون یا تم نیز ساختاری مفهومی است که در داده‌ها شناسایی می‌شود و به‌طور حداقلی به طبقه‌بندی و توصیف یافته‌ها می‌پردازد و در سطحی بالاتر، جنبه‌های مختلف یک پدیده را تفسیر می‌کند (بویاتسیس، ۱۹۹۸؛ زارعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۷).

جدول-۱. مشخصات فارسی و انگلیسی کتاب‌های بررسی شده در بخش تحلیل مضمون

کد	نویسنده/ نویسندگان	عنوان کتاب	انتشارات	حوزه بحث	سال انتشار
A1	ایزابیل ویلکرسون	نظام کاستی: خاستگاه‌های نارضایتی ما	گروه انتشاراتی رندم‌هاوس	روابط اجتماعی	۲۰۲۰
A2	جورج پکر	آخرین امید بزرگ: آمریکا در بحران و نوسازی	فرار، اشتراوس و ژیرو	روابط اجتماعی	۲۰۲۱
A3	رابرت وائناو	جاماندگان: افول و خشم در آمریکای روستایی	انتشارات دانشگاه پرینستون	روابط اجتماعی	۲۰۱۸
A4	تیمتئی پی. کارنی	آمریکا بیگانه شد: چرا برخی جوامع شکوفا می‌شوند و برخی فرو می‌پاشند	هارپر کالینز	روابط اجتماعی	۲۰۱۹
A5	اسکات جی. ساوت و استوارت تولنی	خانواده آمریکایی در حال تغییر دیدگاه‌های جامعه شناختی و جمعیت شناختی	راتلج	خانواده	۲۰۱۹
A6	فیلیس شلفلی	چه کسی خانواده آمریکایی را کشت؟	دبلیو دی بوکز	خانواده	۲۰۱۴
A7	جرمی اس. آدامز	پوک شده: هشدار دربارۀ نسل آینده آمریکا	رجنری پابلیشنگ	تفاوت نسلی	۲۰۲۱

۲۰۲۳	تفاوت نسلی	آتریا بوکز	نسل‌ها: تفاوت واقعی بین زد هزاره، ایکس، بومر و سایلنت‌ها و معنای آن‌ها برای آینده آمریکا	جین ام. توئنجی	A8
۲۰۲۱	تفاوت نسلی	انتشارات دانشگاه شیکاگو	نسل زد، توضیح داده شده: هنر زندگی در عصر دیجیتال	روبرتا کتز، سارا، اوگیلوی، جین شاو لیندا وودهد	A9
۲۰۱۸	مذهب	راتلج	دین و سیاست در آمریکا: ایمان، فرهنگ و انتخاب‌های راهبردی	آلن دی. هرترک، لورا آر. اولسون، کوین آر. دن دالک، رابرت بوث فاولر	A10
۲۰۲۰	مذهب	انتشارات دانشگاه کالیفرنیا	دین در آمریکا	لیزا دی. پیرس، کلر چیپمن گیلیند	A11
۲۰۲۰	مذهب	انتشارات دانشگاه نیویورک	امتیاز مسیحیان سفید پوست: توهم برابری دینی در آمریکا	خیاتی وای. جوشی	A12
۲۰۲۳	هنر و رسانه	دی گرویتز	بازی کردن آمریکایی: بازی‌های ویدیویی جهان باز و بازتولید فرهنگ آمریکا	سورن شوپ مایر	A13
۲۰۱۹	هنر و رسانه	انتشارات دانشگاه نیویورک	رسانه‌های جدید و جامعه	دینا ای. رولینگر	A14
۲۰۱۸	هنر و رسانه	راتلج	رسانه سبک زندگی در فرهنگ آمریکا: جنسیت، طبقه و	مورین ای. رایان	A15

		سیاست‌های روزمرگی		
--	--	-------------------	--	--

Year of publication	Area of discussion	Publications	Book title	Author/Authors	Code
2020	Social relations	Random House Publishing Group	Caste_ The Origins of Our Discontents	Isabel Wilkerson	A1
2021	Social relations	Farrar, Straus and Giroux	Last Best Hope_ America in Crisis and Renewal	George Packer	A2
2018	Social relations	Princeton University Press	The Left Behind_ Decline and Rage in Rural America	Robert Wuthnow	A3
2019	Social relations	Harpercollins	Alienated America_ Why Some Places Thrive While Others Collapse	Timothy P. Carney	A4
2019	Family	Routledge	The Changing American Family_ Sociological And Demographic Perspectives	Scott J South_ Stewart Tolnay	A5
2014	Family	WND Books	Who Killed the American Family	Phyllis Schlafly	A6
2021	Generation	Regnery	Hollowed	Jeremy S.	A7

	al difference	Publishing	Out_ A Warning about America's Next Generation	Adams	
2023	Generation al difference	Atria Books	Generations The Real Differences Between Gen Z, Millennials, Gen X, Boomers, and Silentsand What They Mean for America's Future	Jean M. Twenge	A8
2021	Generation al difference	University of Chicago Press	Gen Z, Explained_ The Art of Living in a Digital Age	Roberta Katz, Sarah Ogilvie, Jane Shaw, LindaWoodhea d	A9
2018	Religion	Routledge	Religion and Politics in America Faith, Culture, and Strategic Choices	Allen D. Hertzke Laura R. Olson Kevin R. den Dulk Robert Booth Fowler	A10
2020	Religion	University of California Press	Religion in America	Lisa D. Pearce, Claire Chipman Gilliland	A11
2020	Religion	NEW YORK UNIVERSIT Y PRESS	White Christian Privilege THE ILLUSION OF	Khyati Y. Joshi	A12

			RELIGIOUS EQUALITY IN AMERICA		
2023	Art and Media	De Gruyter	Playing American Open-World Videogames and the Reproduction of American Culture	Sören Schoppmeier	A13
2019	Art and Media	NEW YORK UNIVERSITY PRESS	New Media and Society	Deana A. Rohlinger	A14
2018	Art and Media	Routledge	Lifestyle Media in American Culture_ Gender, Class, and the Politics of Ordinariness	Maureen E Ryan	A15

۳- مبانی نظری

با توجه به ماهیت و مسئله این پژوهش، لازم است توضیحانی پیرامون مفاهیم اصلی ارائه گردد تا مخاطب با چارچوب ذهنی دقیق‌تر با متن پیش‌رو ارتباط برقرار نماید، اما از آنجایی که بحث بررسی وضعیت و چالش‌های فرهنگی آمریکا به مثابه طلایه‌دار تمدن غرب و تقابل تمدنی این کشور با جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید نگارندگان این متن بود لازم است تعاریف و ملاحظات نظری لازم در این خصوص به صورت اجمالی ارائه گردد.

الف) تفکر، فرهنگ و تمدن

«تفکر»^۱، «فرهنگ»^۲ و «تمدن»^۳ سه مفهوم کلیدی و مرتبط در حوزه علوم انسانی هستند که در پیوندی نظام‌مند و علی با یک‌دیگر قرار دارند. در این میان، تفکر به‌عنوان فعالیت بنیادی ذهنی انسان، خاستگاه و سرچشمه پیدایش مفاهیم، معانی و ارزش‌هایی است که در بستر اجتماع به فرهنگ تبدیل می‌شوند (Hall, 1976: 14). فرهنگ نیز به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، نمادها، ارزش‌ها، زبان، دین و شیوه‌های زندگی، جلوه بیرونی نظام معنایی شکل گرفته از تفکر است. در واقع، فرهنگ تجسم اجتماعی‌یافته‌ی تفکر انسانی است که به واسطه کنش‌های جمعی و در طول زمان، استقرار می‌یابد (هوفستد، ۲۰۱۰: ۶؛ سجادی، ۱۳۹۸).

تمدن، مرحله‌ای فراتر از فرهنگ است که در آن، دستاوردهای فرهنگی در قالب ساختارهای نهادی و مادی مانند نظام‌های سیاسی، علمی، اقتصادی و فناوری سازمان می‌یابند. به تعبیر دیگر، تمدن «تجسم نهادی و ساختاریافته فرهنگ» است؛ فرهنگی در سطحی پیچیده‌تر و تاریخی که قابلیت تولید، بازتولید و توسعه دارد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

رابطه میان تفکر، فرهنگ و تمدن را نباید به رابطه میان سه امر جدا و منقطع از هم تلقی کرد بلکه همان‌گونه که بخار آب، آب و یخ، یک حقیقت مشترک با سه ظهور و تجلی متفاوت است، تفکر، فرهنگ و تمدن هم یک حقیقت مشترک با سه ظهور و تجلی متفاوت است. به عبارت دیگر رابطه ظهور و بطون میان تفکر، فرهنگ و تمدن برقرار است بدین معنا که تفکر باطن فرهنگ و فرهنگ باطن تمدن است و از طرف دیگر تمدن ظاهر شده‌ی فرهنگ است و فرهنگ هم ظهور آن تفکر می‌باشد (جبارپور، ۱۳۹۳: ۸۲-۷۳).

از این منظر، رابطه میان تفکر، فرهنگ و تمدن یک رابطه خطی و ساده نیست، بلکه فرآیندی تعاملی و دیالکتیکی است؛ تفکر منجر به تولید فرهنگ می‌شود و فرهنگ، بستر تاریخی و اجتماعی ظهور تمدن را فراهم می‌آورد، درحالی‌که خود تمدن نیز می‌تواند به بازتعریف فرهنگ و حتی بازسازی الگوهای فکری منجر شود (Huntington, 1996: 41-45).

در تحلیل‌های فرهنگی جدید نیز این پیوند به‌عنوان مدل غالب درک تمدن‌ها شناخته می‌شود. هانتینگتون با تأکید بر فرهنگ به‌مثابه بطن تمدن‌ها، نشان می‌دهد که اختلافات تمدنی

1 Thought

2 Culture

3 Civilization

ریشه در اختلافات عمیق فرهنگی و فکری دارند، نه صرفاً سیاسی یا اقتصادی (Huntington, 1996: 41-45).

همچنین، در سنت پژوهشی هوفستده، فرهنگ به مثابه «نرم‌افزار ذهن» معرفی شده است که شیوه تفکر، درک و کنش افراد را شکل می‌دهد و از این طریق، زیرساخت هر نظام تمدنی به‌شمار می‌رود (هوفستد، ۲۰۱۰: ۶؛ سجادی، ۱۳۹۸).

این دیدگاه در آثار بومی نیز بازتاب یافته است. به‌عنوان نمونه، شفیعی سروستانی در اثر خود بر این نکته تأکید دارد که تفاوت تمدن‌ها در لایه ظاهری نیست، بلکه در سطح بنیادین‌تر «تفکر» و «جهان‌بینی» آن‌هاست؛ و تمدن، بدون فرهنگ امکان‌پذیر نیست، همچنان‌که فرهنگ نیز بدون بنیان تفکر زنده و پویا نمی‌ماند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۳).

همین رویکرد در مجموعه «روایت تفکر، فرهنگ و تمدن» نیز مورد تأکید قرار گرفته و سیر تحول تاریخی تمدن‌ها با تکیه بر دگرگونی‌های فکری و فرهنگی بررسی شده است (دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۵).

ب) تمدن غرب

تمدن غربی را می‌توان به‌عنوان یک نظام پیچیده و تاریخی از اندیشه‌ها، نهادها و شیوه‌های زندگی تعریف کرد که خاستگاه آن در اروپای باستان است و به‌مرور با گسترش جغرافیایی، علمی و اقتصادی خود، به الگویی جهانی بدل شده است. ریشه‌های این تمدن در سنت عقلانی یونان باستان، نظم حقوقی و امپراطوری روم، آموزه‌های اخلاقی مسیحیت و دستاوردهای دوران روشنگری نهفته است (Scruton, 2002: 1-10). این عناصر، بنیادهای تمدنی غرب را در قالب ارزش‌هایی چون عقل‌گرایی، فردگرایی، حاکمیت قانون، سکولاریسم، آزادی، و پیشرفت علمی شکل داده‌اند (Fernandez-Armesto, 2002: 10-15).

تمدن غرب در سیر تطور خود، نهادهایی چون دانشگاه، دولت-ملت، اقتصاد سرمایه‌داری و علوم تجربی را تولید کرد که قدرت آن را در قرون مدرن افزایش دادند (هانگینتون، ۱۹۹۶: ۴۰-۴۵؛ مولانا، ۱۳۸۲). اما هم‌زمان، این تمدن با چالش‌های درونی و بیرونی متعددی مواجه بوده است؛ از جمله بحران‌های اخلاقی و زیست‌محیطی، سلطه‌جویی استعماری، و تعارض با فرهنگ‌های دیگر. منتقدانی چون رضا داوری اردکانی بر این باورند که تمدن غرب، به‌رغم پیشرفت‌هایش، دچار

از خودیگانگی تاریخی شده است و به دلیل گسست از حقیقت قدسی و معنوی، در ورطه‌ی بحران‌های معنوی و معرفتی قرار گرفته است (داوری اردکانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۲۵). به زعم دباغ نیز، تمدن غرب، هرچند مروج عقلانیت ابزاری و علمی است، اما در پاسخ به نیازهای روحی بشر امروز ناتوان است و به بازتعریف مفاهیم بنیادین خود نیاز دارد (دباغ، ۱۳۹۹: ۸۲).

ج) تمدن اسلامی

«تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند پرمایه از یک سو از قابلیت تجدید زمانی و تعریف معنایی برخوردار است؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر دارای گسترده‌ی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دینی الهی در خود دارد، بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه‌ی ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و... است» (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱؛ فرزندوحی و احمدی، ۱۳۹۹: ۹۸). «با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون بشری بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهم بودند این ملل با ارزش‌ها و ملاک‌های نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلامی گفته می‌شود از این رو تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود» (مجیدی، ۱۳۷۴: ۱۹۱؛ فرزندوحی و احمدی، ۱۳۹۹: ۹۸).

از این رو تمدن اسلامی، تمدنی تک‌بعدی یا صرفاً سیاسی نیست، بلکه یک منظومه جامع و یکپارچه است که در آن دین، دانش، فرهنگ، هنر، قانون، اقتصاد و اخلاق در پیوندی ارگانیک با یک‌دیگر قرار دارند و همگی بر پایه وحی و عقل سامان می‌یابند. این ویژگی‌ها سبب شده‌اند تا تمدن اسلامی، الگویی ممتاز از تمدن دینی و معنوی در تاریخ بشر به شمار رود؛ تمدنی که در عین وفاداری به اصول الهی، توان تعامل، جذب و بازسازی عناصر مفید سایر تمدن‌ها را نیز دارا بوده است.

د) تقابل تمدنی

مفهوم «تقابل تمدنی» به‌طور برجسته توسط ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز علوم سیاسی آمریکایی، در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۳ و سپس در کتابی در سال ۱۹۹۶ مطرح شد. هانتینگتون استدلال می‌کند که پس از پایان جنگ سرد، منبع اصلی درگیری‌ها نه ایدئولوژی یا اقتصاد، بلکه تفاوت‌های فرهنگی و تمدنی خواهد بود. او معتقد است که تمدن‌ها، به‌عنوان بالاترین سطح هویت فرهنگی، نقش محوری در شکل‌گیری درگیری‌های جهانی ایفا خواهند کرد (Huntington, 1993: 22).

هانتینگتون تمدن‌ها را به‌عنوان جوامعی با هویت‌های فرهنگی متمایز تعریف می‌کند که شامل عناصر مشترکی مانند زبان، تاریخ، دین، سنت‌ها و نهادها هستند. او هشت تمدن اصلی را شناسایی می‌کند: غربی، اسلامی، کنفوسیوسی (چینی)، ژاپنی، هندو، ارتدوکس، آمریکای لاتین و آفریقایی. به‌نظر او، درگیری‌های آینده عمدتاً بین این تمدن‌ها رخ خواهد داد، به‌ویژه در نقاط تلاقی آن‌ها که به‌عنوان «خطوط گسل تمدنی» شناخته می‌شوند (Huntington, 1996).

اما با لحاظ کردن نکاتی که در مقدمه و بیان مسئله گفته شد با توجه به تعارضات بنیادین گفتمان تمدنی غرب با گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، وجود تقابل تمدنی میان این دو گفتمان مهم و اصلی امری حتمی است و با توجه به تفاوت‌ها و حتی تعارضات ماهوی و بنیادین میان این دو نگاه به «خدا»، «انسان» و «طبیعت و هستی»، ایجاد یک هم‌نشینی واقعی میان این دو شدنی نیست.

ه) وضعیت‌شناسی فرهنگی

شناخت وضعیت فرهنگ نه صرفاً با داده‌های آماری، بلکه با تحلیل دقیق معناهای پنهان در گفتمان‌ها، نشانه‌ها و ساختارهای ارتباطی جامعه ممکن است. «برای شناخت وضعیت فرهنگی جامعه، باید به تحلیل‌های معناشناختی از مفاهیم و نمادهای فرهنگی پرداخت و ارتباط آن‌ها را با رسانه‌ها بررسی کرد» (بشیر، ۱۳۸۷: ۶۵). این بدان معناست که وضعیت فرهنگ در جامعه بیش از آن‌که در رفتارهای سطحی یا سیاست‌های فرهنگی رسمی بازتاب یابد، در لایه‌های پنهان زبان، رسانه، نمادها و بازنمایی‌ها شکل می‌گیرد. از این‌رو، وضعیت‌شناسی فرهنگی به‌مثابه یک «کاوش

معنایی» مطرح می‌شود که لزوماً نیازمند فهم زمینه‌های تاریخی و فکری تولید معناست. «مطالعه‌ی فرهنگ عامه به ما امکان می‌دهد تا ساختارهای قدرت و ایدئولوژی‌های موجود در جامعه را شناسایی کرده و وضعیت فرهنگی را تحلیل کنیم» (پاینده، ۱۴۰۳: ۲۳). بر این اساس، وضعیت‌شناسی فرهنگی در نگاه او، صرفاً ثبت وضع موجود نیست، بلکه تحلیلی انتقادی از آن است؛ به‌ویژه از طریق شناسایی چگونگی بازتولید ارزش‌ها، هنجارها و روایت‌های غالب در محصولات فرهنگی رایج نظیر سریال‌ها، موسیقی، تلویزیون و فضای مجازی. برای پاینده، هر تحلیل فرهنگی الزاماً باید تحلیل ایدئولوژی نیز باشد.

رسانه‌ها نیز نه تنها بازتاب‌دهنده فرهنگ‌اند، بلکه از طریق انتخاب، برجسته‌سازی و تکرار موضوعات خاص، وضعیت فرهنگی را می‌سازند و بازتعریف می‌کنند: «رسانه‌ها با برجسته‌سازی موضوعات خاص، می‌توانند ادراک عمومی از وضعیت فرهنگی را شکل دهند و جهت‌دهی کنند» (شکرخواه، ۱۳۸۵: ۴۲). وضعیت‌شناسی فرهنگی بدون تحلیل رسانه‌ها و فرآیندهای خبری ناقص خواهد بود. این رویکرد برای درک فرهنگ معاصر که بخش عمده‌ای از آن در محیط‌های دیجیتال شکل می‌گیرد، بسیار حیاتی است. رسانه‌ها نوعی «آینه گزینشی» هستند که تصویری خاص از واقعیت فرهنگی ارائه می‌دهند.

و) ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا را می‌توان نماد بارز تمدن غرب در دوران معاصر دانست؛ کشوری که در بطن مدرنیته غربی شکل گرفت و امروزه به‌عنوان طلایه‌دار و الگوی جهانی بسیاری از مفاهیم بنیادین این تمدن شناخته می‌شود. شناخت تمدن غرب بدون تحلیل ساختار، تحولات و ارزش‌های حاکم بر جامعه آمریکایی ناقص خواهد بود، چراکه ایالات متحده نه تنها وارث سنت‌های لیبرال-دموکراتیک اروپایی است، بلکه خود به یکی از اصلی‌ترین عوامل توسعه، گسترش و ترویج این سنت‌ها در جهان تبدیل شده است (هاتینگتون، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

پس از استقلال در سال ۱۷۷۶، ایالات متحده با بنیان‌گذاری قانون اساسی‌ای که بر اصل حاکمیت مردم، آزادی‌های فردی و تفکیک قوا استوار بود، مدلی جدید از حیات سیاسی در دنیای غرب را ارائه داد. این مدل، در مقابل حکومت‌های موروثی اروپا، بر شایسته‌سالاری، مشارکت همگانی و اقتصاد آزاد تأکید می‌کرد (شونل، ۱۳۶۳: ۳۴). در طول قرن نوزدهم و بیستم، با توسعه

صنعتی، جذب گسترده مهاجران و ظهور نهادهای آموزشی و تحقیقاتی پیشرو، ایالات متحده به کانون نوآوری، تولید دانش و پیشرفت فناوریانه تبدیل شد و چهره‌ای مدرن از تمدن غربی را به نمایش گذاشت (شفیعی سروسرانی، ۱۳۹۸: ۹۹).

اما نقش آمریکا صرفاً به درون مرزهای جغرافیایی‌اش محدود نماند. این کشور با مشارکت در جنگ‌های جهانی اول و دوم، و سپس در دوران جنگ سرد، نقشی محوری در شکل‌دادن به نظام بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم ایفا کرد. آمریکا از طریق نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، و ناتو، ارزش‌های بنیادین تمدن غربی همچون نظم لیبرال، اقتصاد بازار آزاد و حقوق بشر را جهانی کرد (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

از نظر فرهنگی نیز، آمریکا با تسلط بر سینما، موسیقی، تبلیغات و فناوری‌های نوین ارتباطی، شکل‌دهنده فرهنگ جهانی یا به عبارتی «فرهنگ جهانی‌شده‌ی غربی» شد. ارزش‌هایی چون فردگرایی، مصرف‌گرایی، رقابت آزاد و موفقیت شخصی، از طریق محصولات فرهنگی آمریکایی به سایر نقاط جهان تسری یافت (زین، ۱۳۹۹: ۲۲۴). ایالات متحده آمریکا نه تنها زاینده تمدن غربی است، بلکه بازآفرین، تسریع‌کننده و اشاعه‌دهنده‌ی مؤثر آن نیز به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، شناخت تمدن غرب در جهان معاصر، بدون تحلیل تمدن آمریکایی و سازوکارهای آن، ناتمام خواهد ماند.

۴- یافته‌های پژوهش

با توجه به موضوع و روش استفاده شده در این پژوهش، یافته‌های بدست آمده از تحلیل متون کتاب‌های مدنظر در ابتدای امر در قالب ۱۱۱ کد قابل شناسایی و طبقه‌بندی است که کدهای مستخرج در قالب جداولی ناظر به مسائلی چون «نهادینه بودن نژادپرستی و تبعیض نژادی»، «نابرابری و گسست‌های اجتماعی»، «وضعیت خانواده»، «همجنس‌گرایی»، «وضعیت نسل آینده» و «اصول و ارزش‌های هنر و رسانه» در آمریکا تدوین می‌گردد و ناظر به هر یک از این بحث‌ها، مجموعه‌ای از آمارها و اطلاعات دقیق همراه با تحلیل ارائه می‌گردد.

جدول-۲. کدهای مربوط به نهادینه بودن نژادپرستی و تبعیض نژادی در آمریکا

کدهای مستخرج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B1	آمریکا مانند یک خانه متروکه است که یک اسکلت نامرئی دارد و نظام کاست در آمریکا مانند میخ و تیرچه‌های این خانه هستند.	A1
B2	غالباً در آمریکا، نژادپرستی و کاست‌گرایی همزمان اتفاق می‌افتد. در روزمره آمریکا، نژادپرستی عامل تبعیض نیست، بلکه پابندی مردم به نظام کاست است. این صرفاً یکی از مظاهر درونی سازی سیستم کاست آمریکایی است.	A1
B3	نظام کاست یک نظام نامرئی است که این عامل، سبب قدرت و طول عمر آن است.	A1
B4	حقارت مطلق برای طبقه پایین، همانند نژاد حیوانات تثبیت شده و مستقیماً بر تعاملات اجتماعی‌شان تأثیر می‌گذارد؛ این تحقیر دائماً به آنان یادآوری می‌شود. هرچه شکاف اجتماعی عمیق‌تر باشد، اعمال بی‌عدالتی آسان‌تر است.	A1
B5	زندانی کردن فکر تمامی افراد جامعه توسط کاست، در ضمیر ناخودآگاه سفید پوستان وجود دارد.	A1
B6	رابطه‌ای که کاست ایجاد کرده، سطحی و کلیشه‌ای است؛ مانند قضاوت از روی جلد کتاب. مثالی از آن، سوء برداشت فردی از استاد دانشگاه به‌عنوان پستیچی است.	A1
B7	کاست مانند یک بیماری است که جامعه آمریکا به آن مبتلا شده است. بیماری مثل اعتیاد به الکل در آمریکا که نمی‌توان آن را کامل درمان کرد.	A1
B8	انتخاب ترامپ به مثابه یک شورش نسلی است که نژادپرستی از ویژگی‌های آن بود.	A2
B9	عدم وجود صمیمیت و حس هموطن بودن در آمریکا اگر هم وجود داشته باشد غیرارادی است.	A2
B10	درحال حاضر آمریکا مثل خانه‌ای است که با انحصار و فساد، طبقات ثابت ثروتمند و فقیر و بی‌عدالتی نژادی تقسیم شده است.	A2
B11	داده‌ها نشان می‌دهند طبقه کارگر سفیدپوست پایگاه ترامپ بوده است، که ترکیبی از نژادپرستی و نابرابری درآمدی را بازتاب می‌دهد.	A4
B12	شما دوست نداشتید سیاه‌پوستان حقوق بگیرند، دوست ندارید زنان شغل پیدا کنند، نمی‌خواهید. ببینید این سرخپوست آمریکایی بیشتر از شما موفق‌شود،	A4

	مشکل شما هرچه باشد، من آن را حل می‌کنم.	
B13	اضطراب اقتصادی باعث نشد مردم به ترامپ رأی بدهند، بلکه نژادپرستی این کار را کرد.	A4
B14	کسانی که «اضطراب اقتصادی» را دلیل حمایت از ترامپ می‌دانند، در مقابل گروهی قرار دارند که معتقدند نژادپرستی تنها عامل اصلی بوده است.	A4
B15	نیمی از کشور فکر می‌کنند آمریکا نژادپرست و هم جنس‌گرا است.	A7
B16	نسل پسا هزاره، نسبت به مسائل نژادی و جنسیتی حساس‌اند و به امتیاز سفیدپوستان و تعصب ضمنی آگاهانه واکنش نشان می‌دهند.	A9
B17	مطالعات نشان داده که نوجوانان سیاه‌پوست از پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی محروم، اغلب به نهادهای مذهبی متکی هستند تا آن‌ها را برای تحصیل خود حمایت کنند.	A11
B18	هر بحثی درباره دین در ایالات متحده که تلاقی آن با نژاد و نژادپرستی را بررسی نکند، ناقص است.	A12
B19	مفهوم نژاد در آمریکا از قرن پانزدهم و از برخورد اروپایی‌ها با مردم غیرسفیدپوست شکل گرفت.	A12
B20	مفهوم ملیت در آمریکا، قرن‌ها بر اساس نژاد تعریف شده، اما در اصل برای تعیین تعلق و عضویت مذهبی به کار گرفته شده است.	A12
B21	تأثیر مثبت در مورد شیوه‌های معاصر، نظارت و نمایه‌سازی، گیم‌پلی «واچ داگز»، تقریباً با ناآگاهی کامل طراحی نژادپرستانه از چنین شیوه‌هایی را در دنیای واقعی تقویت می‌کند.	A13

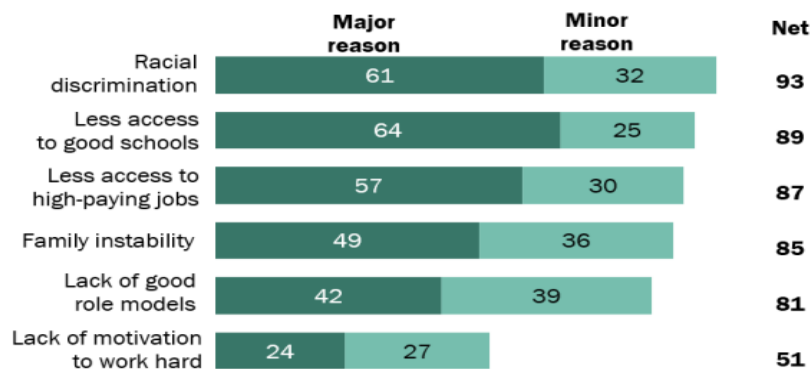
بر اساس کدهای استخراج شده از کتاب‌های هدف، مسئله نژادپرستی و تبعیض نژادی به امری نهادینه شده تبدیل شده است و این مسئله نه تنها مورد اذعان اندیشمندان و صاحب‌نظران که حتی مورد توجه سیاستمداران این کشور نیز می‌باشد و در میان مردم آمریکا نیز به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به نگاه‌های ایدئولوژیکی و سیاسی دونالد ترامپ، پس از انتخاب وی به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۶، این امر تشدید شده و در حال حاضر بخش مهمی از طرفداران او را آمریکایی‌هایی تشکیل می‌دهند که دارای نگاه‌های نژادپرستانه هستند.

در تأیید این مسئله در بخش بعدی برخی از نتایج نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو^۱ در خصوص تبعیض نژادی در آمریکا ارائه می‌گردد.

بر اساس یافته‌های این نظرسنجی اکثریت افرادی که باور دارند سیاه‌پوستان آمریکایی در وضعیت نامناسبی قرار دارند، علت اصلی این وضعیت را در عواملی چون تبعیض نژادی (۹۳ درصد)، دسترسی محدود به مدارس باکیفیت (۸۹ درصد) و دسترسی محدود به مشاغل پردرآمد (۸۷ درصد) می‌دانند، نه ضعف‌های فردی مانند بی‌انگیزگی یا کمبود الگو (PEW RESEARCH CENTER, 2019).

Majorities who think blacks are at a disadvantage say racial discrimination, less access to good schools or jobs are major obstacles for blacks

Among those who say being black hurts people's ability to get ahead, % saying each is a major/minor reason why black people in our country may have a harder time getting ahead than white people



Note: Figures may not add to subtotals due to rounding.
Source: Survey of U.S. adults conducted Jan. 22-Feb. 5, 2019.
"Race in America 2019"

PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۱. علل اصلی وضعیت نامناسب سیاه‌پوستان در آمریکا (PEW RESEARCH CENTER, 2019)

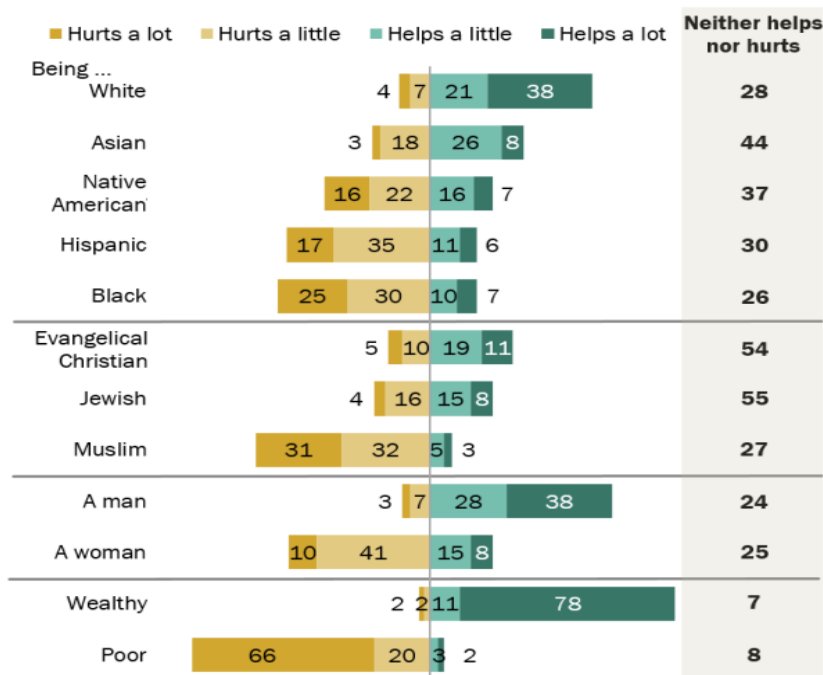
علت این برداشت عمومی، افزایش آگاهی ساختاری در جامعه آمریکا نسبت به ریشه‌های نهادی نابرابری نژادی است؛ مردم بیش از گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری‌ها حاصل

1 PEW RESEARCH CENTER

سیاست‌ها، نهادها و تبعیض‌های تاریخی‌اند، نه کمبود تلاش‌های فردی. این تحول در ادبیات علوم سیاسی به‌عنوان چرخش از تبیین‌های فردگرایانه به تحلیل‌های ساختاری شناخته می‌شود. همچنین بر اساس داده‌های جدول زیر، نیمی از مردم یا بیشتر آن‌ها اذعان دارند که فقیر بودن، مسلمان بودن، سیاهپوست بودن یا اسپانیایی تبار بودن مردم را در جامعه آمریکا در وضعیت نامساعدی قرار می‌دهد (PEW, 2019).

Half or more say being poor, Muslim, black or Hispanic puts people at a disadvantage in our society

% saying being each of the following helps/hurts people's ability to get ahead in our country these days



Note: Share of respondents who didn't offer an answer not shown.

Source: Survey of U.S. adults conducted Jan. 22-Feb. 5, 2019.

"Race in America 2019"

PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۲. علل اصلی وضعیت نامناسب سیاهپوستان در آمریکا (PEW RESEARCH CENTER, 2019)

از منظر علوم سیاسی، این یافته‌ها نشان‌دهنده درک فزاینده‌ای از نابرابری‌های ساختاری و تقاطع یافته در جامعه آمریکاست؛ یعنی شناختی عمومی از این که هویت‌های قومی، دینی و طبقاتی به شکلی سیستماتیک با تبعیض و محرومیت همراه‌اند. این درک عمومی، فضای مشروعیت بخشی بیشتری برای سیاست‌های اصلاحی و جبرانی فراهم می‌کند و نشانه‌ای از عبور از روایت‌های فردگرایانه به تحلیل‌های نهادی در فرهنگ سیاسی ایالات متحده است.

جدول-۳. کدهای مربوط به نابرابری و گسست‌های اجتماعی در آمریکا

کدهای مستخرج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B22	نابرابری اجتماعی و اصطکاک طبقاتی، از عوامل کاهش امید به زندگی و افزایش مرگ‌ومیر در آمریکاست.	A1
B24	شیوع کرونا شکاف‌های اجتماعی را عیان‌تر کرد: فساد سیاسی، بی‌رحمی اقتصادی و جامعه‌ای متفرق.	A2
B25	فاصله‌گذاری اجتماعی نوعی همبستگی تلقی شد، اما نظام اقتصادی آمریکا با تشدید شکاف طبقاتی، همبستگی ملی را در بحران‌ها ناممکن می‌سازد.	A2
B26	اندازه‌گیری هوش کودکان در جوامع مدرن و طبقه بندی آن‌ها در مدارس و مشاغل، نوع جدیدی از نابرابری است که در نهایت به شورش ختم خواهد شد.	A2
B27	طبقه کارگر سفیدپوست نیز با مشکلات مشابه سیاه‌پوستان مواجه‌اند: فقر نسلی، اعتیاد، بی‌اعتمادی، مرگ زودرس و نابسامانی‌های خانوادگی.	A2
B28	انتخاب ترامپ به مثابه یک شورش نسلی که نژادپرستی از ویژگی‌های آن است. به نوعی شورش از پایین به بالا بود.	A2
B29	صمیمیت و حس هموطن بودن در آمریکا که اگر هم وجود داشته باشد، غیرارادی است.	A2
B30	در بین شهروندان حس نابرابری مشترک وجود دارد.	A2

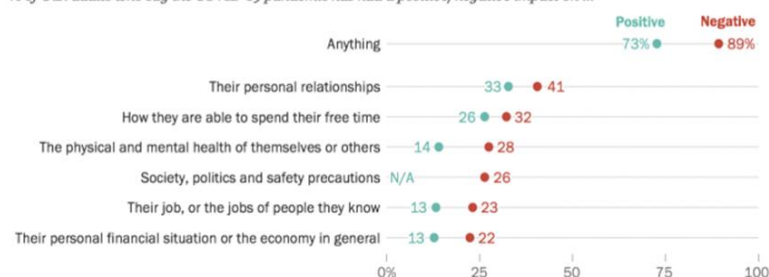
B31	آمریکا برای بقا نیازمند یک تغییر اساسی در ساختارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین در عادات فکری جامعه است که یک شرایط واقعاً برابری را ایجاد کند.	A2
B32	برابری باید در تمام ابعاد زندگی آمریکایی‌ها حس شود. مانند اینکه یک بچه فقیر شانس ورود به دانشگاه داشته باشد.	A2
B33	قشر زیادی در معرض خطر سقوط دائمی هستند و آمریکا نیازمند یک معامله جدید و توسعه یافته‌تری است.	A2
B34	جوامع روستایی بخشی از فرهنگ طبقه متوسط آمریکا به حساب می‌آیند که توسط برخی سیاست‌هایی که آشکارا به نفع ثروتمندان است، تهدید می‌شود.	A2
B35	مکان‌هایی از نظر سرمایه اجتماعی ضعیف، با شبکه‌های کمتر و ضعیف‌تر و در نتیجه اعتماد کمتر هستند. این انحلال جامعه مدنی باعث بیگانگی مردم می‌شود.	A4
B37	این یک استدلال نسبتاً استاندارد از سال ۲۰۱۵ به بعد بود که مردم مناطق مولد از او حمایت کردند و حامیان مخالفانش تحت تأثیر استدلال‌هایی قرار گرفتند که نارضایتی فرهنگی را برانگیخت.	A4
B38	بخشی از مشکل این است که نخبگان آمریکا در قرن بیست و یک در گسترش ثروت- به صورت مجازی و تحت اللفظی- فوق‌العاده بد عمل کردند. افزایش نابرابری اقتصادی و عدم تحرک در آمریکا گواه این شکست نخبگان است.	A4
B40	گرچه جنوب روستایی در اوایل قرن بیستم یک مورد شدید از نابرابری اجتماعی را نشان داد، یافته‌های ما به نیاز برای در نظر گرفتن دسترسی متفاوت به منابع در مطالعات ازدواج اشاره دارد.	A5
B41	انتخابات ۲۰۱۶ و شوک ناشی از پیروزی ترامپ، عمق شکاف و چنددستگی جامعه آمریکا را آشکار کرد.	A7
B42	گزارشی با عنوان «قبایل پنهان: مطالعه چشم‌انداز قطبی‌شده آمریکا در سال ۲۰۱۸» نشان می‌دهد که آمریکایی‌های امروزی چقدر از	A7

	هم جدا شده‌اند.	
B43	به عنوان شهروند، هنگامی که ما بدترین چیزها را در مورد یکدیگر فرض می‌کنیم - همان‌گونه که به‌طور فزاینده‌ای در مورد سیاست انجام می‌دهیم - شروع به جدایی از یکدیگر می‌کنیم.	A7
B44	مسائل پیرامون آزادی بیان منجر به شکاف نسلی تلخ شده است. در یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۰، از هر ۱۰ آمریکایی، ۲ نفر از اخراج یک مدیر تجاری که کمک مالی شخصی به کمپین جو بایدن کرده بود، و از هر ۱۰ نفر ۳ نفر از اخراج یک مدیر تجاری که کمک مالی شخصی به کمپین دونالد ترامپ کرده بود، حمایت کردند.	A8
B45	شکاف میان مذهبی‌ها و سکولارها در حال گسترش است و شاید آمریکا به سوی حزبی‌سازی دینی / سکولار مشابه اروپا برود.	A10
B46	نابرابری اقتصادی به تضعیف نهادهای مذهبی در میان طبقات فرودست دامن زده و نرخ حضور در مراسم مذهبی کاهش یافته است.	A11

طبق مباحثی که در بخشی این بخش مطرح شد، شیوع کرونا شکاف‌های اجتماعی در آمریکا را عیان‌تر کرد. طبق نتایج آمریکایی‌ها در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ تجربه‌ای دوگانه داشته‌اند و مشکلات گسترده و مشکلات غیرمنتظره‌ای را توصیف می‌کنند: ۷۳ درصد به جنبه‌های مثبتی در زندگی اشاره کرده‌اند، اما ۸۹ درصد پیامدهای منفی را گزارش کرده‌اند. بیشترین تأثیر مثبت مربوط به روابط شخصی و نحوه گذراندن وقت بوده است در حالی که سلامت روان، وضعیت شغلی و اقتصادی عمدتاً منفی ارزیابی شده‌اند (PEW, 2020). نبود پاسخ‌های مثبت در حوزه سیاست و تدابیر اجتماعی، نشانگر بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای حکمرانی است. این داده‌ها بازتابی از بحران‌های ساختاری و فرصت‌های فردی همزمان در جامعه آمریکا هستند.

In open-ended responses about how the COVID-19 pandemic has affected their lives, Americans describe wide-ranging difficulties and unexpected silver linings

% of U.S. adults who say the COVID-19 pandemic has had a positive/negative impact on ...



Note: Verbatim responses have been coded into categories.
Source: Survey of U.S. adults conducted Aug. 31-Sept. 7, 2020.

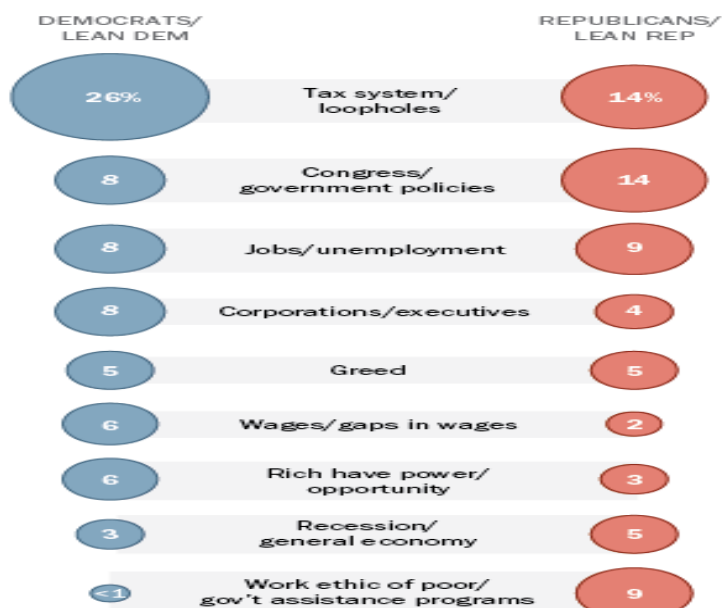
PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۳. چگونگی تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر زندگی آمریکایی‌ها (PEW RESEARCH CENTER, 2020)

همچنین طبق نظرسنجی انجام‌شده در ژانویه ۲۰۱۴، دموکرات‌ها (یا افراد متمایل به حزب دموکرات) عمدتاً نظام مالیاتی و فرار مالیاتی را مهم‌ترین عامل رشد نابرابری می‌دانند (۲۶ درصد)، در حالی‌که جمهوری‌خواهان (یا افراد متمایل به این حزب) بیشتر بر نقش سیاست‌های دولتی (۱۴ درصد) و نیز ضعف اخلاق کاری فقرا و برنامه‌های حمایتی دولتی (۹ درصد) تأکید دارند (PEW, 2014). این تفاوت‌ها بیانگر دو نگرش بنیادی است: دموکرات‌ها بیشتر عوامل ساختاری مانند مالیات و نابرابری دستمزدی را مقصر می‌دانند، در حالی‌که جمهوری‌خواهان تمایل دارند دلایل فرهنگی یا وابستگی به دولت را پررنگ‌تر ببینند. این شکاف در درک علل نابرابری، ریشه در تفاوت‌های ایدئولوژیک دارد که بر سیاست‌گذاری عمومی در حوزه عدالت اقتصادی تأثیر مستقیم می‌گذارد.

Why Has Inequality Grown?

% who volunteered the following as the main reason why the gap between the rich and everyone else has increased, among:



Source: Pew Research Center survey conducted Jan. 15-19, 2014.

Note: Question was asked of those who said there has been an increase between the rich and everyone else in the U.S. in the last 10 years. Reasons are listed in order mentioned by entire sample that was asked the question.

PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۴. گرش آمریکایی‌ها نسبت به افزایش نابرابری و دلایل آن (PEW RESEARCH CENTER, 2014)

جدول-۴. کدهای مربوط وضعیت خانواده در آمریکا

کدهای مستخرج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B61	در بهترین ایالت‌های ترامپ، شاخص‌های اجتماعی بیانگر این است که نرخ ازدواج کمتر و روابط نامشروع و طلاق بالاتر است.	A4
B62	عمیق‌ترین تغییر اجتماعی در آمریکا طی دو نسل گذشته، عقب‌نشینی از ازدواج بوده است.	A4

B63	در سال ۲۰۱۲، فقط ۲۰ درصد خانواده‌ها شامل والدین متأهل با فرزند زیر ۱۸ سال بودند؛ این رقم در گذشته ۴۰ درصد بود. همچنین میزان بی‌فرزندگی زنان در سنین باروری از ۳۵ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۴۹ درصد در سال ۲۰۱۶ رسید.	A4
B64	مرگ‌های ناشی از ناامیدی (مانند خودکشی، اعتیاد و الکلی)، کناره‌گیری مردان از کار و جامعه و افزایش تولدهای خارج از ازدواج، پیامدهای مستقیم فروپاشی خانواده هستند.	A4
B65	زندگی مشترک جایگزین ازدواج سستی شده، اما بر خلاف ازدواج، فاقد چارچوب اجتماعی متعهدکننده است. جنسیت، ازدواج و فرزندآوری از هم جدا شده‌اند.	A4
B66	عقب نشینی از ازدواج یک تغییر فرهنگی است؛ اکثر دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند حتی اگر با یک تغییر خوب (افزایش آزادی اجتماعی و اقتصادی زنان) همراه باشد، منفی است.	A4
B67	فقر اجتماعی که خارج از دیوارهای باغ نخبگان رشد می‌کند، با خانواده‌های در حال فروپاشی و انحلال جامعه مدنی نمایان می‌شود.	A4
B68	از آنجا که ازدواج، بیشتر از افزایش زندگی مشترک کاهش یافته است، دلیل کمی وجود دارد که فکر کنیم افزایش زندگی مشترک باعث کاهش ازدواج شده است.	A5
B69	افزایش زندگی مشترک ممکن است تنها گام دیگری در افزایش بلندمدت فردگرایی نسبت به زوال نهادهای ازدواج و خانواده باشد.	A5
B70	افراد با منابع مالی بیشتر معمولاً انگیزه یا نیاز کمتری به ازدواج دارند و گزینه‌های دیگری در بازار کار برای آن‌ها فراهم است.	A5
B71	آمریکایی‌ها کمتر و کمتر ازدواج می‌کنند. زوج‌های متأهل اکنون نماینده اقلیت خانواده‌های آمریکایی هستند.	A6
B72	بسیاری از دانش‌آموزان و نسل جوان علاقه‌ای به ازدواج یا تشکیل خانواده ندارند؛ آن‌ها بیشتر به تأخیر در بلوغ اجتماعی و سبک زندگی فردمحور گرایش دارند.	A7

B73	نسل Z مسیر استراتژی زندگی آهسته را تا بزرگسالی دنبال می‌کند و ازدواج را به تعویق می‌اندازد.	A8
-----	---	----

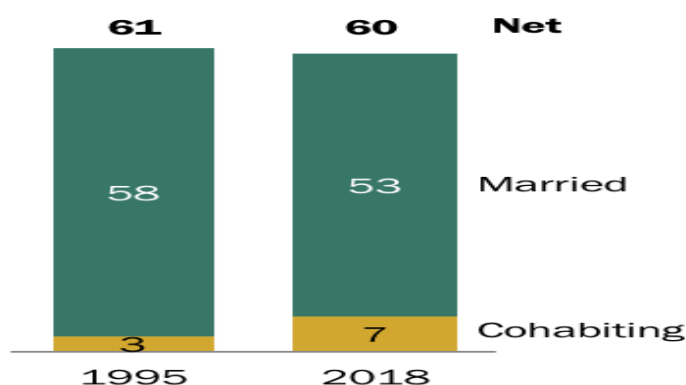
تنزل جایگاه و از بین رفتن بخش قابل توجهی از ارزش‌های خانواده، از بحران‌های جدی فرهنگی - اجتماعی در جامعه آمریکا است که حتی باعث شده برخی اندیشمندان از پدیده «مرگ خانواده»^۱ در این کشور سخن به میان آورند. از بین رفتن ارزش‌های مربوط به خانواده و سیر صعودی عدم اقبال به تشکیل خانواده در قالب‌های سنتی (تشکیل خانواده در قالب ازدواج رسمی یک مرد و زن با یک‌دیگر) آن باعث شده است که مسائل اخلاقی و اجتماعی بسیاری در این کشور ایجاد شود، کشوری که با توجه به مسائل خاص نژادی، مهاجرت و... در تقاطعی از مشکلات فرهنگی و اجتماعی گرفتار مسائل خاصی شده است. لذا یکی از مهم‌ترین علل افول آمریکا^۲ را می‌توان در همین امر جستجو نمود.

بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۸، الگوی روابط زوجی در ایالات متحده دچار تحول معناداری شده است؛ سهم بزرگ‌سالان متأهل از ۵۸ درصد به ۵۳ درصد کاهش یافته، در حالی که نسبت افرادی که در «روابط هم‌باشی» (بدون ازدواج رسمی) زندگی می‌کنند از ۳ درصد به ۷ درصد افزایش یافته است (PEW, 2018). این تغییر گرچه نسبت کلی افراد در روابط زوجی را تقریباً ثابت نگه داشته، اما بیانگر جابه‌جایی تدریجی از ازدواج سنتی به سوی هم‌باشی است. این تحول را می‌توان ناشی از عوامل اقتصادی مانند افزایش هزینه‌های زندگی و دشواری‌های مالی ازدواج دانست، و همچنین حاصل دگرگونی فرهنگی و نگرشی در جامعه، از جمله کاهش فشارهای اجتماعی برای ازدواج و پذیرش بیشتر روابط انعطاف‌پذیر و غیررسمی. در مجموع، داده‌ها حاکی از افول تدریجی نهاد ازدواج به‌عنوان الگوی غالب روابط بلندمدت در جامعه معاصر آمریکاست.

1 Family death
2 The decline of America

Since 1995, marriage has declined, while cohabitation has risen

% of adults who are ...



Note: Adults who are separated are not classified as married. In 2007, the Current Population Survey added a new cohabitation question. The 2018 estimate is based on this measure.

Source: Pew Research Center analysis of 1995 and 2018 Current Population Survey, Annual Social and Economic Supplement (IPUMS).

"Marriage and Cohabitation in the U.S."

PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۵. کاهش نرخ ازدواج رسمی و افزایش زندگی مشترک (روابط همبازی) در آمریکا (PEW

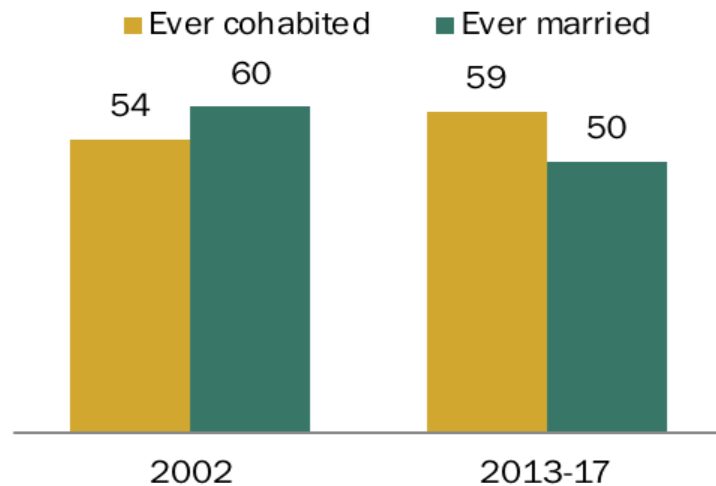
(RESEARCH CENTER, 2018)

طبق بررسی‌های صورت گرفته، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷، الگوی روابط در میان بزرگ‌سالان آمریکایی ۱۸ تا ۴۴ سال به‌طور محسوسی تغییر کرده است. طبق داده‌های پیو، در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۳، ۵۹ درصد از این گروه سنی تجربه هم‌بازی (زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی) را داشته‌اند و تنها ۵۰ درصد از این گروه ازدواج کرده بودند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۲، ازدواج با نرخ ۶۰ درصدی شایع‌تر از هم‌بازی با میزان ۵۴ درصد بوده است

(PEW, 2017). طبیعتاً در نگاه اول این تغییر بیانگر کاهش گرایش به ازدواج سنتی و افزایش ترجیح به روابط انعطاف‌پذیرتر در شکل خانواده است.

It's now more common to have cohabited than to have married

% of adults ages 18 to 44 who have ...



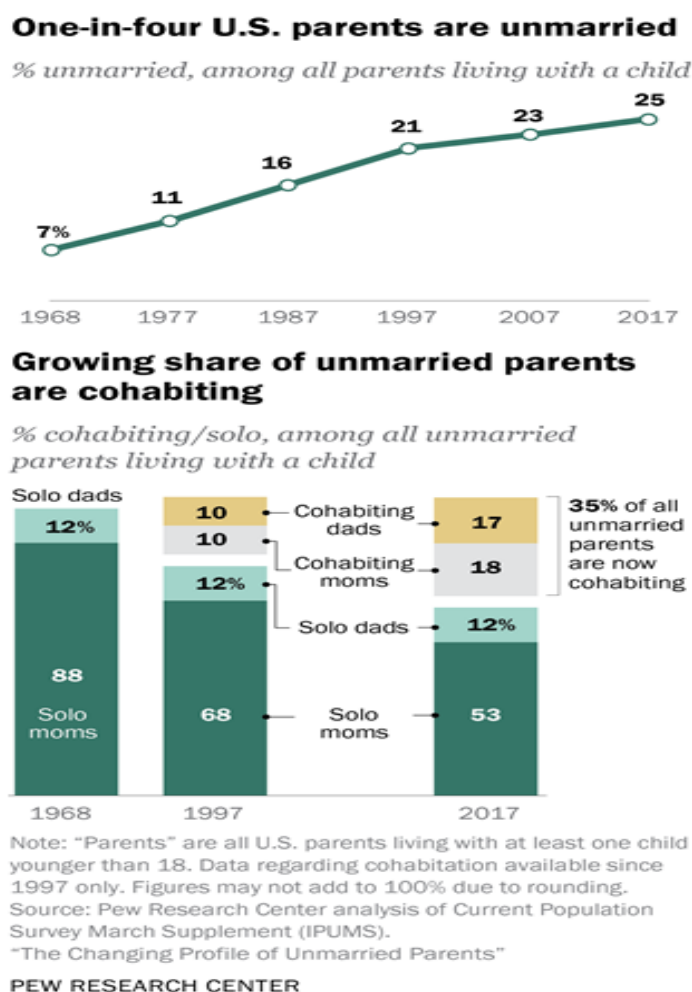
Source: Pew Research Center analysis of 2002 and 2013-2017 National Survey of Family Growth. The NSFG includes data regarding opposite-sex relationships only. "Marriage and Cohabitation in the U.S."

PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۶. رواج سبک زندگی مشترک نسبت به ازدواج رسمی در آمریکا (PEW RESEARCH CENTER, 2017)

همچنین طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط مرکز تحقیقات پیو، در سال ۲۰۱۷ از هر چهار والدین آمریکایی یکی نفر از آنها ازدواج نکرده است، این میزان ۲۵ درصدی از عدم تشکیل خانواده در قالب سنتی و رسمی آن طی سال‌های اخیر رشدی صعودی داشته است، به گونه‌ای که

این آمار در سال ۱۹۶۸، ۷ درصد بود و در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۷ به ارقام ۲۱ و ۲۵ درصد رسیده است (PEW, 2017).



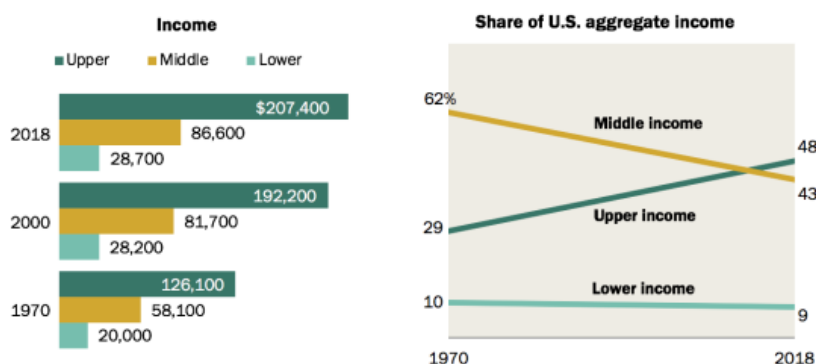
تصویر-۷. میزان ازدواج در میان والدین آمریکایی (PEW RESEARCH CENTER, 2017)

همچنین طبق نتایج بدست آمده، طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸، شکاف درآمدی در ایالات متحده به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در این بازه، درآمد خانوارهای پردرآمد به طور چشمگیری رشد کرده و از ۱۲۶،۱۰۰ به ۲۰۷،۴۰۰ دلار رسیده است، در حالی که درآمد طبقه متوسط و پایین رشد بسیار

محدودتری داشته‌اند. همچنین سهم طبقه متوسط از کل درآمد ملی از ۶۲ به ۴۳ درصد کاهش یافته است و در مقابل، سهم طبقه بالا از ۲۹ به ۴۸ درصد رسیده است. سهم طبقه پایین نیز تقریباً ثابت مانده و از ۱۰ به ۹ درصد رسیده است (PEW, 2018). این داده‌ها به خوبی بیانگر این واقعیت است که توزیع عادلانه ثروت در این کشور دچار مشکلات جدی شده و در کنار مسائل مربوط به تبعیض نژادی، مذهبی و جنسیتی، نابرابری اقتصادی نیز در آمریکای مدرن در حال گسترش است، به گونه‌ای که این تبعیض‌ها و نابرابری در عرصه‌های مختلف زمینه‌ساز بحران‌ها، اعتراضات و جنبش‌های مختلفی در این کشور بالاخص طی چند دهه اخیر بوده است.

The gaps in income between upper-income and middle- and lower-income households are rising, and the share held by middle-income households is falling

Median household income, in 2018 dollars, and share of U.S. aggregate household income, by income tier



Note: Households are assigned to income tiers based on their size-adjusted income. Incomes are scaled to reflect a three-person household. Revisions to the Current Population Survey affect the comparison of income data from 2014 onwards. See Methodology for details. Source: Pew Research Center analysis of the Current Population Survey, Annual Social and Economic Supplements (IPUMS). "Most Americans Say There Is Too Much Economic Inequality in the U.S., but Fewer Than Half Call It a Top Priority"

PEW RESEARCH CENTER

تصویر-۸. میزان شکاف درآمدی در میان خانوارهای آمریکایی (PEW RESEARCH CENTER, 2018)

جدول-۵. کدهای مربوط به وضعیت همجنس‌گرایی در آمریکا

کدهای مستخر ج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B47	همجنس‌گرایی موضوعی است که بسیاری از آمریکایی‌های روستایی	A2

	آن را یک نگرانی اخلاقی آزاردهنده می‌دانند.	
B48	همجنس‌گرایی، خانواده سستی را همانند طلاق، بی بند و باری جنسی، سقط جنین و شورش نوجوانان تهدید می‌کند.	A2
B49	صریح‌ترین حمایت از توافقات در مورد سقط جنین و همجنس‌گرایی و همچنین باور در مورد اخلاق و مذهب در جهان گسترده‌تر، در حال افول است.	A2
B50	مردان و زنان همجنس‌گرا عضو کنگره، سناتور، فرماندار و مجریان تلویزیون می‌شوند. یک فرد مطلقه یا یک مادر مجرد مانند سال ۱۹۵۵، مورد تحقیر یا شرمساری قرار نمی‌گیرد. گشودگی فرهنگی به تفاوت در چیزهای کوچک و بزرگ مشهود است.	A4
B51	طرفداران ازدواج همجنس‌گرایان استدلال می‌کنند که چون تمایز جنسیتی با این دیدگاه مرتبط نیست، حذف زوج‌های همجنس از نهاد ازدواج، تبعیض رتبه‌ای است.	A6
B52	کودکان مهم‌ترین درس‌ها را در مورد چگونگی ارتباط با جنس مخالف از مشاهده نحوه تعامل والدین با آن‌ها و با یکدیگر در زندگی روزمره می‌آموزند. این درس‌های حیاتی برای کودکانی که توسط زوج‌های همجنس بزرگ شده‌اند، هرگز الگوی زندگی با جنس مخالف را آموزش نمی‌دهند.	A6
B53	رأی دادگاه عالی ماساچوست در سال ۲۰۰۳ برای قانونی‌شدن ازدواج همجنس‌گرایان، جامعه آمریکا را شوکه کرد؛ با آنکه سه قرن ازدواج به‌عنوان پیوند زن و مرد تعریف می‌شد.	A6
B54	با قانونی‌شدن ازدواج همجنس‌گرایان، واژگانی مانند «پدر»، «مادر»، «شوهر» و «زن» در اسناد رسمی حذف یا جایگزین شدند تا سردرگمی جنسیتی در تعاریف حقوقی برطرف شود.	A6
B55	جوانان امروزی کمتر دچار تعصبات جنسی، نژادی و ملی‌گرایانه هستند؛ رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتری نشان می‌دهند و نسبت به تبعیض علیه دگرباشان جنسی حساس‌ترند.	A7

B56	ازدواج همجنس‌گرایان چه ربطی به فناوری دارد؟ این تغییرات ریشه در آورده تکنولوژی، یعنی فردگرایی دارد. کشورهای فردگرا اولین کشورهایی بودند که از حقوق برابر برای افراد لزبین، همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا استقبال کردند، در حالی که کشورهای جمع‌گرایانه‌تر چنین نکرده‌اند.	A8
B57	روند پذیرش اجتماعی همجنس‌گرایی طی دهه‌های اخیر به‌وضوح افزایش یافته است؛ در سال ۲۰۰۲، ۳۲ درصد آمریکایی‌ها روابط همجنس‌گرایانه را کاملاً بی‌اشکال می‌دانستند، در حالی که این رقم در ۱۹۷۳ تنها ۱۱ درصد بود.	A10
B58	علی‌رغم بسیاری از جریان‌های متنوع مقابله‌کننده، زنان و افراد دگرباش جنسی نقش مهمی در دین آمریکایی ایفا می‌کنند و اهمیت هر دو گروه در حال افزایش است.	A10
B59	توجه به تداوم درگیری‌ها در مورد سقط جنین و برابری LGBT در ایالات متحده مهم خواهد بود.	A10
B60	همان‌گونه که همجنس‌گرایان در جامعه آمریکا مقبولیت بیشتری پیدا می‌کنند، باید انتظار داشته باشیم که فرصت‌های بیشتری در محافل مذهبی سازمان‌یافته برای آن‌ها باز شود.	A10

از عوامل اصلی بحران افول خانواده در شکل سنتی آن (تشکیل خانواده در قالب ازدواج رسمی یک مرد و زن با یک‌دیگر) در آمریکا، گسترش انحرافات جنسی و قانونی شدن ازدواج همجنس‌گرایان در این کشور بوده است، مسئله‌ای که بیش از گذشته بحران خانواده و از بین رفتن ارزش‌های خانواده در این کشور را تشدید کرده و پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی منحصر به فردی برای این کشور به وجود آورده است. هرچند عادی‌سازی و تمایل به این نوع از ازدواج سیر صعودی در این کشور داشته است ولی همچنان به‌عنوان یکی از آثار زیان‌بار مدرنیسم و تمدن غرب مورد انتقاد شدید آمریکایی‌هایی که هنوز از ارزش‌های خانواده حمایت می‌کنند قرار گرفته است و این افراد نگرانی‌های جدی در مورد نسل‌های آینده دارند.

نمودار زیر روند افزایشی شناسایی افراد آمریکایی به‌عنوان اعضای جامعه LGBT را نشان می‌دهد، جامعه‌ای که از ۳٫۵ درصد سال ۲۰۱۲ به ۷٫۱ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است (Gallup, 2021). این افزایش بازتاب تغییرات فرهنگی، پذیرش اجتماعی بیشتر و گسترش تعریف هویت‌های جنسیتی است. داده‌ها همچنین نشان می‌دهند که پس از سال ۲۰۲۰، رشد سریع‌تری در این شناسایی رخ داده است که می‌تواند ناشی از افزایش آشکارسازی هویت در فضای اجتماعی بازتر باشد. این روند برای پژوهشگران حوزه هویت، فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایالات متحده اهمیت و تحلیل‌های خاصی دارد.



تصویر-۹. سیر افزایش تمایلات غیر دگرجنس‌گرا در آمریکا (Gallup, 2021)

طبق نتایج تصویر زیر نسل Z با فاصله زیادی بیشترین میزان هویت‌یابی به‌عنوان LGBT به‌ویژه در دوجنس‌گرایی (۱۵ درصد) را دارد. همچنین، زنان بیشتر از مردان خود را دوجنس‌گرا و لژیون معرفی کرده‌اند، در حالی که مردان بیشتر خود را گِی می‌دانند. به‌طور کلی هرچه نسل قدیمی‌تر باشد، میزان هویت‌یابی غیر هتروسکسوال (دگرجنس‌گرایی) به‌طور معناداری کاهش می‌یابد.

Americans' Self-Identified Sexual Orientation and Gender Identity, by Generation and Gender

	Bisexual	Gay	Lesbian	Transgender	Other
	%	%	%	%	%
Generation					
Generation Z	15.0	2.5	2.0	2.1	1.2
Millennials	6.0	2.2	1.3	1.0	0.4
Generation X	1.7	1.1	0.8	0.6	<0.05
Baby boomers	0.7	1.0	0.7	0.1	0.1
Traditionalists	0.2	0.4	0.1	0.2	0.1
Gender					
Women	6.0	0.4	1.9	0.8	0.4
Men	2.0	2.5	0.1	0.6	0.2

--Figures represent the percentage of all adult members of each demographic group who have that sexual orientation or gender identity.
 --Some respondents identify with multiple sexual orientations or gender identities.
 --Generation definitions are as follows: Generation Z, born 1997 to 2003; millennials, born 1981 to 1996; Generation X, born 1965 to 1980; baby boomers, born 1946 to 1964; traditionalists, born before 1946.

GALLUP, 2021

تصویر-۱۰. سیر افزایش تمایلات غیر دگرجنس‌گرا در آمریکا (Gallup, 2021)

طبق نتایج بررسی‌های گالوپ، دوجنس‌گرایی با حدود ۵۷ درصد رایج‌ترین هویت در میان افراد LGBT است که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری بیشتر در درک هویت جنسی به‌ویژه در نسل‌های جدید است. همچنین، سهم قابل‌توجه افراد ترنس‌جندر (۱۰ درصد) از جامعه LGBT بیانگر افزایش پذیرش هویت‌های جنسیتی متفاوت در این کشور است. در مقایسه با کل جمعیت، هویت‌های غیرهتروسکشوال هنوز اقلیت‌اند، که می‌تواند ناشی از فشارهای اجتماعی یا تفاوت‌های نسلی در آشکارسازی باشد.

Americans' Self-Identified Sexual Orientation or Gender Identity

Which of the following do you consider yourself to be? You can select as many as apply: Straight or heterosexual; Lesbian; Gay; Bisexual; Transgender.

	Among LGBT U.S. adults	Among all U.S. adults
	%	%
Lesbian	13.9	1.0
Gay	20.7	1.5
Bisexual	56.8	4.0
Transgender	10.0	0.7
Other (e.g., queer, same-gender-loving)	4.3	0.3

Percentages total more than 100% because respondents may choose more than one category.

GALLUP, 2021

تصویر-۱۱. جهت‌گیری جنسی و هویت جنسیتی در میان آمریکایی‌ها (Gallup, 2021)

جدول-۶. کدهای مربوط وضعیت نسل آینده در آمریکا

کدهای مستخرج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B74	نسل Z نگرش جدیدی به فردگرایی و برابری جنسیتی دارد؛ دو سوم آن‌ها در پنج سال گذشته حمایت از حقوق فراجنسیتی‌ها را افزایش داده‌اند و معتقدند جنسیت نباید فرصت‌های زندگی را محدود کند.	A8
B75	هویت سیاسی این نسل تحت تأثیر قطب‌بندی نژادی شکل گرفته و آماده است گفت‌وگوی عمومی درباره نژاد را بازتعریف کند.	A8
B76	شاید در نتیجه، ۳ نفر از ۴ نفر نسل Z فکر کنند که ما باید همه چیز را از بین ببریم و از نو شروع کنیم و بگویند «تغییرات قابل توجه» در «طراحی و ساختار بنیادی» دولت ضروری است.	A8
B77	بزرگ‌ترین چالش آینده برای رهبران، متقاعد کردن جوانان به ارزش و امیدواری نسبت به کشور است؛ در غیر این صورت، گرایش به انقلاب یا بازسازی بنیادین افزایش می‌یابد.	A8
B78	برخلاف نسل X در دهه ۱۹۹۰ و هزاره‌ها در اوایل دهه ۲۰۰۰، نسل Z فکر می‌کند که جهان نیاز به تغییر دارد.	A8
B79	احساس منفی عمومی نسل Z در مورد جهان و زندگی خود که ناشی از عصبانیت و ناامیدی آن‌هاست ممکن است جرقه‌ای باشد که جنبش جوانان جدیدی را برای تغییر اجتماعی شعله ور کند. قدرت آن‌ها به‌طور کامل مورد بهره برداری قرار نگرفته و نسل‌های قدیمی‌تر نسل Z را دست کم می‌گیرند.	A8
B80	کدام تغییرات فرهنگی خاص، بیشترین عامل تفاوت نسلی است؟ فناوری قوی‌ترین عامل برای تغییرات فرهنگی است که علت اصلی تفاوت‌های نسلی است. فناوری نحوه زندگی، نحوه تفکر، رفتار و ارتباط ما با یک‌دیگر را کاملاً تغییر داده است.	A8
B81	فناوری همچنین منجر به روند فرهنگی دیگری می‌شود که تأثیر بسیار زیادی بر نحوه زندگی ما داشته است: زمان بیشتری برای بزرگ	A8

	شدن و زمان بیشتری برای افزایش سن.	
B82	آزادی جنسی، دسترسی آسان به شریک از طریق اپ‌ها، و عادی‌شدن رابطه قبل از ازدواج بخشی از تجربه نسلی آنهاست.	A8
B83	برای آماده شدن جهت تغییرات عمده‌ای که معتقدند پس زمینه آینده آنها خواهد بود، از فناوری‌های جدید استقبال می‌کند و عادات و ارزش‌های انعطاف‌پذیری و اتکا به خود را پرورش می‌دهد.	A9
B84	به طور خاص، بر آنچه انجام می‌دهیم و چگونه آن را انجام می‌دهیم، کنترل داریم. رسانه‌های جدید تأثیر متفاوتی بر تجربه ما از کار دارند.	A14
B85	انبوهی از مقالات در مطبوعات محبوب، در مورد چهره در حال تغییر تلویزیون کابلی و آنچه که محبوبیت این برنامه در مورد خانواده آمریکایی را نشان می‌دهد، بازنمایی می‌شود.	A15
B86	نسل Z احساس می‌کند نهادهای کنونی ناکارآمد هستند و می‌خواهد ابزارها و راهکارهای جدیدی برای زندگی و تغییر اجتماعی اختراع کند.	A9
B87	برخی دیگر کنشگرانی هستند که برای تغییر تلاش می‌کنند، اگرچه لزوماً درخواست آن از نهادهای موجود و رهبران آنها به معنی مخالف نیست.	A9
B88	باور به جامعه‌ای متنوع و حق تعریف فردی از هویت، از رایج‌ترین دیدگاه‌های این نسل است.	A9
B89	آنها براین باورند که به لطف اشتباهات نسل‌های پیشین، آینده‌ای پر تلاش برای ترمیم نهادهای اجتماعی آسیب دیده پیش رو دارند.	A9

تحولات مربوطه به تغییر باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های مورد پذیرش قرار گرفته در میان نسل‌های جدید و آنچه اصطلاحاً به نسل Z معروف است، یکی از نگرانی‌های جدی فرهنگی-اجتماعی در جامعه آمریکاست که سایر حوزه‌ها همچون سیاست و اقتصاد را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است، از این رو بررسی وضعیت نسل‌های جدید و آینده این نسل‌ها، یکی از مهم‌ترین

مؤلفه‌هایی است که وضعیت کلان فرهنگ این کشور را می‌توان با آن بررسی، ارزیابی و تحلیل نمود.

جدول ۷- کدهای مربوط شاخص‌های مذهب در آمریکا

کدهای مستخرج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B90	این ایده که آزادی مذهبی برابر در ایالات متحده برای همه وجود دارد یک توهم بصری است.	A12
B91	این باور عمومی از روایت بنیان‌گذاران آمریکا تغذیه می‌کند که کشور را پناهگاهی برای فراریان از آزار مذهبی می‌دانند، درحالی‌که این آزادی در عمل اغلب به نفع پروتستان‌های سفیدپوست بوده است.	A12
B92	پیوریتن‌ها خود به دنبال آزادی مذهبی بودند، اما تنها برای خودشان؛ در دوران استعمار، گروه‌های مذهبی مختلف اغلب در تضاد با یکدیگر و درگیر تبعیض بودند.	A12
B93	برتری‌طلبی مسیحی سفید بر پایه پیوند نژاد، مذهب و قدرت شکل گرفته و مسیحیت سفیدپوست را نه تنها فضیلت‌مند، بلکه برتر و معیار هویت آمریکایی قلمداد می‌کند.	A12
B94	نژادی شدن دین، منجر به پنهان شدن یا ناپدید شدن کامل بُعد مذهبی تبعیض می‌شود.	A12
B95	از زمان استعمار تا عصر حاضر، مذهب در شکل‌گیری مفهوم نژاد و تعیین تعلق به «هویت آمریکایی» نقش محوری داشته است؛ چه در مورد بومیان چه سیاه‌پوستان و چه آسیایی‌ها یا مهاجران.	A12
B96	پیوند نژاد و مذهب در تاریخ برده‌داری نیز مشهود است؛ جایی که میلیون‌ها آفریقایی در سایه توجیهات دینی برای کسب ثروت به بردگی گرفته شدند.	A12
B97	برخی مسیحیان خودآگاه به امتیازات مذهبی‌شان، دوران ترامپ را	A12

	بازگشت به تاریک‌ترین دوره‌های حذف و تبعیض مذهبی می‌دانند.	
B98	در دنیایی زندگی می‌کنید که در آن برتری‌طلبان مسیحی سفید هنوز هم می‌توانند در حمایت از برنامه‌های نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز، قدرت را در دست بگیرند و از آن استفاده کنند.	A12

جدول ۸- کدهای مربوط به شاخص‌های مذهب و سبک‌های زندگی جدید در آمریکا

کدهای مستخرج	گزاره‌های کلیدی	کد کتاب
B99	بررسی عبادت‌کنندگان یک کلیسا نشان داد که با گذشت زمان، اعضا ارزش‌ها و باورهای خود را حذف کردند؛ امروزه جوامع مذهبی در فضاهایی مانند توییتر، فیس‌بوک و حتی بازی‌هایی مثل «زندگی دوم» معابد و عبادتگاه‌های مجازی می‌سازند.	A14
B101	در عصر دیجیتال، انتشار ایده‌ها- چه افراطی، چه مذهبی- بدون تماس مستقیم و تنها از طریق رسانه‌های جدید انجام می‌شود.	A14
B102	رسانه‌های جمعی، از جمله رسانه‌های جدید، نهادهای اجتماعی نوینی هستند که با آموزش هنجارها، ارتباط اجتماعی را تسهیل کرده و به پر کردن شکاف‌های اجتماعی کمک می‌کنند.	A14
B103	احساس هویت ما از تعامل با محیط‌های مختلف شکل می‌گیرد؛ چه واقعی مانند مدرسه و چه مجازی مثل بازی‌های آنلاین. رسانه‌های جدید به ما اجازه می‌دهند نقش‌ها و هویت‌های مختلف‌مان را کشف و تجربه کنیم.	A14
B104	در عصر دیجیتال، برای شرکت در مراسم یادبود نیازی به حضور فیزیکی نیست؛ مردم در فیس‌بوک خبر مرگ عزیزان را اعلام کرده و در صفحات یادبود آنلاین ادای احترام می‌کنند.	A14
B105	رسانه‌های جدید امکان گردهم‌آیی مجازی برای سوگواری و معنا دادن به مرگ را فراهم می‌کنند؛ حتی بسته‌های تشییع مجازی و یادبودهای	A14

	اینترنتی برای همراهی در غم بدون حضور فیزیکی فروخته می‌شوند.	
B106	شرکت‌هایی وجود دارد که به شما اجازه می‌دهند تا زمانی که زنده هستید، «خود دوم» بسازید تا خاطرات و شخصیت شما ابدی باشد.	A14
B107	از این نظر، قلمرو رسانه ای سبک زندگی دیجیتال، فضایی ناب از آرزوهای تحقق یافته است.	A15
B108	انجمن‌های سبک زندگی، از جمله درباره زندگی آفریقایی‌تبارها، هیپی‌ها و همجنس‌گرایان، در رسانه‌ها شکل گرفته‌اند و «سبک زندگی» را به‌عنوان تمایز مصرف‌کننده‌ای نمایش می‌دهند.	A15
B109	سبک زندگی به پدیده‌ای نوظهور و غالب تبدیل شده که اغلب این گروه‌ها را به‌جای نیروی مخالف فرهنگ غالب، صرفاً به‌عنوان مصرف‌کننده نشان می‌دهد.	A15
B110	رسانه‌ها، سبک زندگی را به امپراتوری رسانه‌ای زنان تبدیل کرده‌اند؛ کتاب‌ها و برنامه‌های تلویزیونی در قالب خانه‌داری، نقش‌های سستی زنانه را بازتولید کرده و به منافع تجاری پیوند زده‌اند.	A15
B111	برنامه‌های املاک و مستغلات، برای بینندگانی که توانایی خرید خانه بزرگ‌تری را نداشتند و رویای افزایش ارزش فروش مجدد خانه‌شان را در سر می‌پروراند، بازسازی را پیشنهاد کرد.	A15

در طول تاریخ، عنصر دین و مذهب از مهمترین نهادهای اجتماعی و فرهنگی در غالب جوامع بشری بوده و نقش‌ها و کارکردهای مهمی بر عهده آن بوده است، اما با توجه به تحولات ایجاد شده بالاخص از دوره رنسانس به بعد و رواج موج‌های مختلف مدرنیته در جوامع مختلف، ماهیت و جایگاه دین نیز دچار تغییرات و در ادامه تحولات مهمی شده که در راستای تضعیف و به حاشیه راندن نقش و جایگاه سابق آن بوده است. آمریکا نیز به عنوان طلایه‌دار تمدن غربی که مبتنی بر مدرنیته شکل گرفته است از سردمداران اصلی تضعیف دین (به معنای سستی و رسمی آن) و تنزل جدی جایگاه آن در روند تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه خود و سایر جوامع عالم بوده است، به گونه‌ای که این تغییر نگاه به دین و جایگاه آن اهمیت بالایی در بررسی وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگ این کشور دارد. اما در نهایت

پس از بررسی ۱۱۱ کد شناسایی شده در ۱۵ کتابی که بدان اشاره شد، می‌توان این کدها را در ۲۴ مضمون پایه و ۳ مضمون اصلی و سازمان‌دهنده یعنی: وضعیت کلان فرهنگی - تمدنی جامعه آمریکا، ایده فکری آمریکا در حوزه فرهنگ و آینده فرهنگ در این کشور طبقه‌بندی نمود.

جدول-۹. مضامین پایه و سازمان‌دهنده وضعیت کلان فرهنگ در آمریکا

مضامین اصلی / سازمان دهنده	مضامین پایه
وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگی - تمدنی جامعه آمریکا	شکل‌گیری جامعه‌ی طبقاتی نهادینه بودن نژاد پرستی گسترش تبعیض مذهبی وجود حس نابرابری بین طبقات مختلف و تولید آن در عرصه‌های گوناگون جامعه تشدید فزاینده گسست‌های اجتماعی رشد فردگرایی به عنوان یکی از عوامل اصلی تشدید گسست‌های اجتماعی افول نهاد خانواده و ارزش‌های اخلاقی آن در آمریکا کاهش نرخ ازدواج رسمی و افزایش روابط همبازی گسترش تولدهای نامشروع تقویت همجنس‌گرایی به عنوان یک گفتمان تضعیف جایگاه دین و مذهب (به معنای سستی آن)
ایده فکری آمریکا در حوزه فرهنگ	تغییرات دائمی فرهنگ ایجاد تغییر در رفتارهای فردی و اجتماعی در دوره‌های مختلف گسترش فردگرایی با استفاده از فناوری‌های نوین گفتمان سازی از طریق رسانه‌های جمعی نقش پر رنگ اینترنت به عنوان نهاد اجتماعی جدید بازتولید فرهنگ آمریکا با استفاده از بازی‌های رایانه‌ای

آینده فرهنگ آمریکا	تمایل شدید به تغییر وضع موجود در میان نسل‌های جدید افزایش اهمیت جایگاه هویتی با مؤلفه‌های جدید آن فراگیری فردگرایی و گرایش بهتر بودن علاقه به ایجاد جامعه متنوع برابر و تلاش برای احقاق حقوق اقلیت‌ها اهمیت دادن به گرایش‌های مختلف جنسی در جامعه افزایش نقش رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین بر تغییرات نسلی رشد فزاینده افسردگی و احساس تنهایی
---------------------------	--

(یافته‌های پژوهش)

۵- رهیافت‌های تمدنی از وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگ آمریکا

وضعیت تمدنی آمریکا را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. فرهنگ آمریکا وابسته به تکنولوژی است. مادامی که تکنولوژی در حال رشد و دگرگونی باشد، فرهنگ آمریکا هم به تبع آن دچار تغییر خواهد شد. همچنین فرهنگ نیز عامل تغییرات تکنولوژی است که آن را دچار تغییر و پیشرفت می‌کند.

در حال حاضر جامعه آمریکا با موضوعاتی مانند گسست اجتماعی، نابرابری، خشونت، مشکلات اقلیت‌ها، نژادپرستی، نظام سلسله مراتبی و... درگیر است و اگر این مسائل حل نشود، چالش‌های این کشور را تشدید خواهد کرد. اما نکته‌ای که سبب می‌شود این بحران‌ها و مشکلات به طور گسترده و در طول زمان، فرهنگ آمریکا را به سمت فروپاشی سوق ندهد، علاقه به تغییری است که در ذات فرهنگ آمریکایی شکل گرفته است. یعنی به فراخور رشد تغییرات، جامعه نیز از آن‌ها استقبال کرده و با آن به تعامل می‌رسد، مانند مقوله همجنس‌گرایی که در حال حاضر مخالفت‌های جدی با آن صورت می‌گیرد، اما رشد و پذیرش این اقلیت در جامعه‌ی آمریکا روبه گسترش است.

همچنین قابلیتی که یکی از ویژگی‌های اختصاصی تمدن آمریکاست و در تمدن‌های دیگری نمی‌توان یافت، این است که تمامی پدیده‌ها را در خود حل می‌کند و با نداشتن خط قرمزها در حوزه فرهنگ، دارای یک نوع پویایی منحصر به خود است. با بررسی گزاره نسل Z در رابطه با فرهنگ

آمریکا، این نکته بدست می‌آید که در این دوره، مهم‌ترین ویژگی در میان آن‌ها، علاقه و تلاش برای تغییر وضع موجود است. با بررسی دهه‌های اخیر فرهنگ آمریکا، تغییرات مختلف و دائمی به وضوح قابل مشاهده است و می‌توان تمایز تمدن آمریکا با دیگر تمدن‌ها را در این عبارت بیان کرد که «تمدن آمریکا با بدست گرفتن ابزار علم و فناوری و گسترش تکنولوژی، خود را وارد یک چرخه‌ای کرده است که با توجه به سرعت گرفتن آن، بازتولید فرهنگ نیز سرعت گرفته است». به‌طوری که ضمن حفظ گفتمان موجود، بر مبنای آن مفاهیم جدید، سبک زندگی متفاوت و مسائل جدیدی را ذیل فرهنگ خود خلق می‌کند.

نکته قابل توجه دیگری که در رابطه با تمدن آمریکا می‌توان گفت این است که بسیاری از بحران‌هایی که جامعه آمریکا به مرور زمان با آن درگیر شده، از درون خود فرهنگ آمریکا بوجود آمده است. توسعه تکنولوژی برای پاسخ به مشکلات پدید آمده، ایجاد شده است اما در حال حاضر به جایی رسیده که خود تکنولوژی افسار فکر و فرهنگ را در آمریکا بدست گرفته و طبیعتاً بدون بحث تکنولوژی و مصداق‌های آن مانند گسترش شبکه‌های اجتماعی، جذاب‌تر شدن بازی‌های رایانه‌ای و... بدون توجه به منفعت اقتصادی آن معنایی پیدا نمی‌کند. براین اساس شرکت‌ها و کمپانی‌های اغلب رسانه‌ای که کار اصلی آن‌ها تولید محتوا برای افشار مختلف است، برای جذب مخاطب بیشتر و در نتیجه کسب منفعت تجاری بیشتر، دست به نوآوری و خلق گفتمان‌های جدیدی در محصولات می‌زنند. این فرایند را شاید بتوان همانند ذات سیری ناپذیری انسان دانست که یک شخص دائماً در حال تکاپو برای کسب ثروت است. هرچه ثروتش بیشتر می‌شود عطش او برای کسب ثروت بیشتر، افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، نتیجه فرایند تمدن آمریکا را می‌توان این‌گونه تحلیل و توصیف کرد که با دستیابی به تکنولوژی، نوع تعاملات و رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر دچار دگرگونی شده است. بعضاً بحران‌های بزرگی در جامعه آمریکا بخاطر رشد فناوری بوجود آمده. مانند رشد فزاینده فردگرایی که با رشد فناوری تشدید شد و نتایج آن گسست‌های اجتماعی، مشکلات سلامت جسمی، ناامیدی و بدبینی را به بار آورد. در این مرحله و برای حل این معضلات در آمریکا، فضاهاى جدیدی بر مبنای تکنولوژی خلق شد که باعث ایجاد ارتباط بین مردم می‌شود. مانند شبکه‌های اجتماعی، زندگی دوم، بازی‌های ورزشی آنلاین، سوگواری آنلاین برای عزیزان و... پس از گذشت زمان، بطور طبیعی مشکلات آن‌ها نیز

ظهور و بروز پیدا می‌کنند و در نتیجه فضاهاى جدیدی برای رفع آن مشکلات بوجود خواهد آمد و هر بار که تغییرات رخ دهد، لایه‌های درونی فکری تمدن آمریکا قدرت ظهور پیدا می‌کند. در نهایت مسأله اصلی در وضعیت فرهنگی-تمدنی جامعه آمریکا جهت‌دهی به تکنولوژی در راستای احساس تغییر در هویت درونی مردم این کشور است. احساس تغییر امری ذهنی است که به واسطه تغییر در ابزارها و تکنولوژی، هم میل به تغییر در جامعه را ارضاء می‌کند و هم موجب امید به آینده می‌شود. اما وجود موانع فرهنگی که متأثر از لایه‌های درونی وجود انسان است مانند برتری طلبی و نژادپرستی آمریکایی، تنوع طلبی، از بین رفتن کانون آرامش بخش خانواده و هنجارهای اخلاقی، حس ناامیدی و بن بست فرهنگی در جامعه آمریکا ایجاد کرده است. در نتیجه چنین به نظر می‌رسد که برتری هر کدام از این دو (توسعه تکنولوژی و ناامیدی درونی) منجر به بقاء یا فروپاشی فرهنگی جامعه آمریکا خواهد شد.

نتیجه‌گیری

ایالات متحده آمریکا را باید طلایه‌دار تمدن جدید غرب دانست، تمدنی که پایه‌های آن بر اندیشه‌های اومانیستی استوار گشته و با مدرنیته گسترش یافته است و تقریباً گستره دنیا و تمامی جوامع انسانی را درنوریده است. اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، گفتمان جدیدی به عالم عرضه شد، گفتمانی که داعیه‌دار بازگشت دین به عرصه تعاملات اجتماعی بشر بود و به دنبال ایجاد تمدنی نوین مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی است. با توجه به تحولات چند دهه گذشته و مخصوصاً مطرح شدن ایده‌هایی جهت عبور از هژمونی جهانی آمریکا و گذار به یک نظم جدید بین‌المللی و ارتقاء نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظم پیش‌رو، بحث شناخت دقیق‌تر تمدن غرب و آمریکا اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند و در این میان شناخت وضعیت کلان فرهنگی آمریکا به‌عنوان زیربنای این تمدن ضرورتی انکارپذیر دارد.

با توجه به چنین ضرورتی این پژوهش به دنبال بررسی و تحلیل وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگ آمریکا آن هم مبتنی بر آثار خود اندیشمندان غربی بود و برای دستیابی به این هدف، ۱۵ اثر برتر و پر ارجاع در مورد فرهنگ ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار گرفت و با تحلیل مضمون صورت گرفته و مبتنی بر ۱۱۱ کد مستخرج، ۲۴ مضمون پایه و ۳ مضمون اصلی و سازمان‌دهنده یعنی:

وضعیت و چالش‌های کلان فرهنگی-تمدنی آمریکا، ایده فکری این کشور در حوزه فرهنگ و در نهایت آینده فرهنگ آن شناسایی و تدوین شد که چارچوبی فراگیر برای درک وضعیت کلان فرهنگ معاصر آمریکا ارائه می‌کنند. اما کلیت یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فرهنگ آمریکایی امروز در بطن مجموعه‌ای از بحران‌های مزمن قرار دارد؛ بحران‌هایی که هرچند هنوز به فروپاشی کامل منجر نشده‌اند، اما به طرز معناداری سرمایه اجتماعی و مشروعیت فرهنگی ایالات متحده را تحلیل برده‌اند.

از یک سو، نژادپرستی ساختاری و تبعیض نهادی همچنان در تار و پود زندگی اجتماعی آمریکا نهادینه شده‌اند. شواهد مختلفی نشان می‌دهند که اکثریت قاطع مردم آمریکا، تبعیض نژادی و ساختارهای محروم‌ساز را عامل اصلی به حاشیه راندن سیاه‌پوستان، مسلمانان و لاتین‌تباران می‌دانند. این نظم سلسله‌مراتبی نژادی، نه یک استثناء موقتی، بلکه ساختاری تاریخی و ماندگار است که به طور مستمر بازتولید می‌شود. رویکردها و جهت‌گیری‌ها شخص ترامپ نیز در سال‌های اخیر به تشدید این روند دامن زده است. مشارکت فعال نسل Z در جنبش‌های ضدنژادپرستی نیز نشان می‌دهد که شکاف‌های هویتی به لایه‌های عمیق‌تری از نسل‌های آینده نفوذ کرده‌اند. از سوی دیگر نیز، داده‌ها از فروپاشی تدریجی نهاد خانواده در معنای رسمی و سنتی آن حکایت دارد. کاهش نرخ ازدواج رسمی از ۶۰ درصد سال ۲۰۰۲ به ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۸، افزایش چشمگیر ارتباط هم‌باشی و رشد مرگ‌های ناشی از ناامیدی، اعتیاد و طلاق، همگی بیانگر تضعیف نهاد خانواده هستند. در همین راستا، مشروعیت‌یابی روزافزون همجنس‌گرایی-که در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ منجر به دو برابر شدن افراد دارای هویت جنسی غیرمتعارف شده است- از سوی نویسندگانی چون فلیس شلفلی و جیمز آدامز به عنوان نمود فردگرایی رادیکال و عامل گسست نسل جدید از الگوی خانواده هسته‌ای معرفی شده است. این روند حتی به جوامع روستایی که پیش‌تر پایگاه ارزش‌های محافظه‌کارانه بودند نیز سرایت کرده و موجب افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و سستی همبستگی ملی شده است.

همچنین، شتاب فناوری‌های دیجیتال به عنوان موتور محرک دگرگونی فرهنگی، به فردگرایی افراطی و شکل‌گیری هویت‌های سیال منجر شده است. تحلیل‌های جین توننج و جان‌تان کاتز نشان می‌دهد که نسل Z با تأخیر در بلوغ اجتماعی، زیست مجازی و نگرش انقلابی نسبت به نظم

سیاسی، در رویارویی با نهادهای سنتی قرار گرفته است. نزدیک به سه‌چهارم از این نسل خواستار بازطراحی ساختاری دولت هستند. رسانه‌های نوین نیز با ترویج سبک زندگی مصرف‌محور و روایت‌های مبتنی بر خودسازی، جایگزین روایت‌های جمعی و دینی شده‌اند. در عین حال، این فضاها امکان عزاداری و انجام مناسک مجازی را نیز فراهم کرده‌اند؛ پدیده‌ای که از تحولی بنیادین در تجربه معنویت حکایت دارد.

در پایان، می‌توان گفت که تداوم فرهنگ آمریکایی بیش از آنکه بر انسجام ارزشی تکیه داشته باشد، بر توانایی سازگاری و بازآفرینی مداوم خود استوار بوده است. این جامعه با پذیرش تفاوت و تولید پیوسته روایت‌های نو، تاکنون از فروپاشی نهایی مصون مانده است. با این حال، انباشت بحران‌های هویتی، اقتصادی و اخلاقی نشان می‌دهد که الگوی تمدنی آمریکا برای حفظ قدرت نرم خود نیازمند اصلاحات بنیادین است؛ اصلاحاتی که بدون بازسازی سرمایه اجتماعی و کاستن از شکاف‌های طبقاتی ساختاری، تحقق نخواهد یافت. برای جمهوری اسلامی ایران، این وضعیت دارای دو پیام راهبردی است: نخست، درک عمیق از آسیب‌پذیری‌های فرهنگی ایالات متحده می‌تواند امکان روایت‌سازی‌های جایگزین و گسترش قدرت نرم در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم آورد؛ دوم، تأکید صرف بر افول آمریکا کافی نیست. بلکه باید الگوی اسلامی-ایرانی عدالت، خانواده و معنویت به صورت عینی و کارآمد عرضه شود؛ چراکه تنها بدیلی که توان پاسخ‌گویی به بحران‌های پیش‌گفته را داشته باشد، می‌تواند توجه مخاطبان فرهنگی خسته از مدل آمریکایی را به خود جلب کند.

فهرست منابع

- احمدیان، قدرت و نوری، مختار. (۱۳۹۰). گفتمان پست‌مدرنیسم و انقلاب اسلامی ایران: بازخوانی و ساختارشکنی الگوی توسعه مدرن. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۸(۲۷)، ۴۱-۶۸.
- بشیر، حسن. (۱۳۸۷). معناشناسی جدید ارتباطات: زمینه‌سازی برای شناخت عمیق‌تر رابطه فرهنگ و رسانه. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۳(۱)، ۶۵-۸۰.
- پاینده، حسین. (۱۴۰۳). مطالعات فرهنگی درباره‌ی فرهنگ عامه (ترجمه‌ی حسین پاینده). تهران: نشر آگه.
- جبارپور، محمد. (۱۳۹۳). در تکاپوی بهشت زمینی. تهران: انتشارات سدید.
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۳). فرهنگ و تمدن. تهران: انتشارات سخن.
- دباغ، فرج‌اله. (۱۳۹۹). عقلانیت و مدرنیته در غرب. تهران: نشر نقد فرهنگ. تهران
- دفتر نشر معارف. (۱۳۹۵). روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تا کنون. قم: نشر معارف.
- زین، هوارد. (۱۳۹۹). تاریخ مردمی ایالات متحده آمریکا (ترجمه‌ی مانی صالحی علامه). تهران: اختران.
- سجادی، حمید. (۱۳۹۸). نقد نظریه‌ی ابعاد فرهنگ ملی با محوریت کتاب فرهنگ‌ها و سازمان‌ها؛ نرم‌افزار ذهن. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره: ۱۹، شماره: ۱۰.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل. (۱۳۸۷). تفکر، فرهنگ و ادب، تمدن. تهران: مؤسسه موعود عصر.
- شفیعی سروستانی، فاطمه. (۱۳۹۸). تاریخ مصور آمریکا. تهران: مؤسسه مطالعات آمریکا.
- شکرخواه، یونس. (۱۳۸۵). خبرنگاری مدرن. تهران: انتشارات ثانیه.
- شوئل، فرانک ال. (۱۳۶۳). تاریخ ایالات متحده آمریکا (ترجمه‌ی ابراهیم صدقیانی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرزندوخی، جمال‌احمدی، فاطمه. (۱۳۹۹). شاخصه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی در آیات و روایات. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، شماره ۵، ۹۸-۱۱۳.
- فوران، جان. (۱۴۰۰). مقاومت شکننده: دگرگونی اجتماعی در ایران از ۱۵۰۰ تا انقلاب (ترجمه احمد تدین). تهران: نشر رسا.
- مولانا، حمید (۱۳۸۲). آمریکا: فاجعه جهانی (به کوشش کریم و عادل فیضی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۰). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی (ترجمه‌ی محمدجواد غلامرضا کاشی). تهران: نشر نی.
- Allen D. Hertzke, Laura R. Olson, Kevin R. den Dulk, Robert Booth Fowler.(2018). Religion and Politics in America Faith, Culture, and Strategic Choices. Routledge
- George Packer. (2021). Last Best Hope: America in Crisis and Renewal. Farrar, Straus and Giroux
- Isabel Wilkerson. (2020). Caste: The Origins of Our Discontents. Random House Publishing Group
- Jean M. Twenge.(2023). Generations: The Real Differences Between Gen Z, Millennials, Gen X, Boomers, and Silents and What They Mean for America's Future. Atria Books

- Jeremy S. Adams. (2021). *Hollowed Out: A Warning about America's Next Generation*. Regnery Publishing
- Khyati Y. Joshi. (2020). *White Christian Privilege: THE ILLUSION OF RELIGIOUS EQUALITY IN AMERICA*. NEW YORK UNIVERSITY PRESS
- Lisa S. Nelson. (2018) *Social Media and Morality: Losing Our Self Control*. Cambridge University Press
- Matthew Desmond, Mustafa Emirbayer. (2010). *Racial Domination, Racial Progress: The Sociology of Race in America*. McGraw-Hill Education
- Maureen E Ryan. (2018). *Lifestyle Media in American Culture: Gender, Class, and the Politics of Ordinariness*. Routledge
- Phyllis Schlafly. (2014). *Who Killed the American Family*. WND Books
- Robert Wuthnow. (2018). *The Left Behind: Decline and Rage in Rural America*. Princeton University Press
- Roberta Katz, Sarah Ogilvie, Jane Shaw, LindaWoodhead. (2021). *Gen Z, Explained_ The Art of Living in a Digital Age*. University of Chicago Press.
- Scott J South, Stewart Tolnay. (2019). *The Changing American Family_ Sociological And Demographic Perspectives*. Routledge
- Sören Schoppmeier.(2023). *Playing American:Open-World Videogames and the Reproduction of American Culture*. De Gruyter
- Timothy P. Carney.(2019). *Alienated America: Why Some Places Thrive While Others Collapse*.Harpercollins
- Virginia Braun, Victoria Clarke. (2006). *Using thematic analysis in psychology*. Taylor & Francis Group
- Fernandez-Armesto, F. (2002). *Civilizations: Culture, ambition, and the transformation of nature*. Simon & Schuster.
- Hall, Edward Twitchell. (1976). *Beyond culture*. Anchor Books.
- Hofstede, Geert, Hofstede, Gert Jan, & Minkov, Michael. (2010). *Cultures and organizations: Software of the mind* (3rd ed.). McGraw-Hill.
- Huntington, Samuel Phillips. (1993). *The clash of civilizations*. *Foreign Affairs*, 72(3), 22–49.
- Huntington, Samuel Phillips. (1996). *The clash of civilizations and the remaking of world order*. New York: Simon & Schuster.
- Said, Edward Wadie. (2001, October 4). *The clash of ignorance*. *The Nation*. <https://www.thenation.com/article/archive/clash-ignorance/>
- Scruton, Roger. (2002). *The West and the rest: Globalization and the terrorist threat*. Continuum.
- Foran, John. (1993). *Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. Boulder, CO: Westview Press.

